

302-222

S TRIBUNAL

P.T.-777

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 302

Date of filing: 17.2.86

\*\* AWARD

- Type of Award Final

- Date of Award 24. OCT 85

\_\_\_\_\_ pages in English

English filed on 26.02.85

60 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

222

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 302

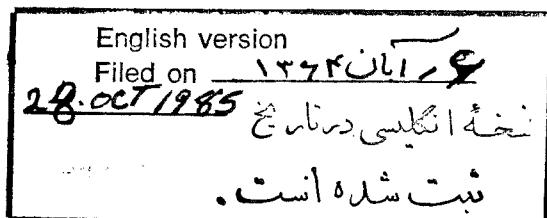
Chamber Three

پرونده شماره ۳۰۲

شعبه سه

حکم شماره ۳۰۲ - ۳ - ۱۹۶

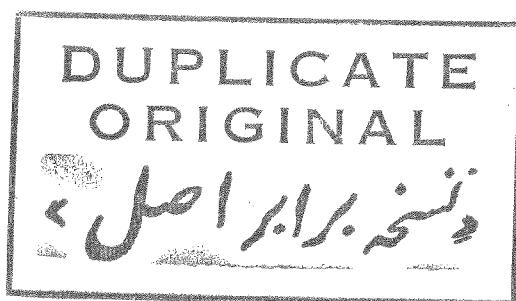
IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی امراز - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date ۱۷ FEB 1986	تاریخ ۱۷/۰۲/۱۹۸۶
No. ۳۰۲	شماره ۳۰۲



اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کورپوریشن ، و  
شرکت فرعی تما ما " متعلق به آن ،  
آی تی پی اکسپورت کورپوریشن ،  
خواهانها ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای تابعه آن ،  
نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و  
وزارت دفاع ملی ، وکالتا " از جانب  
سازمان هوایی کشوری ،  
خوانندگان .



حکم نهائی

حاضران :

از جانب خواهانها : آقای یوجین تی. هربرت  
آقای نیکولاوس اچ. زوماس  
مشاور ویژه  
واشگتن دی. سی .

از جانب خوانندگان : آقای خسرو طبسی ،  
نماينده نماينده رابط جمهوري اسلامي ايران

آقای محمدتقی نادری ،  
مشاور حقوقی نماينده رابط جمهوري اسلامي اiran

آقای غلامرضا داوريان ،  
مشاور حقوقی وزارت دفاع ملي و نیروی هوائی  
جمهوري اسلامي اiran

آقای منصور تهراني

آقای علی عزيزی

آقای محمدرضا پدرام ،  
نمايندگان نیروی هوائی جمهوري اسلامي اiran

آقای حسن شيخ الاسلام  
دستيار هيات نمايندگي نیروی هوائی جمهوري اسلامي اiran

آقای محسن کاکاوند

نماينده بانک تجارت

ساير حاضران : آقای جان آر.کروک  
نماينده رابط ایالات متحده آمریکا

آقای دانیل ام.پراین  
قائم مقام نماينده رابط ایالات متحده آمریکا

فهرست مطالب

۵	اول - جریان رسیدگی
۶	دوم - دلایل صدور حکم
۶	یک - ادعاهای وادعاهای متناظر مربوط به قراردادکارهای ساختمانی
۶	۱ - سوابق امر
۹	۲ - صلاحیت
۱۹	۳ - ماهیت ادعا
۱۹	الف - خدمات انجام شده که صورت حساب آنها صادر شده است
۲۰	ب - کارهای اضافی
۲۲	ج - افزایش قیمت ها
۲۴	د - ضمانتنامه های بانکی و سپرده های حسن انجام کار
۲۷	۴ - ادعاهای متناظر
۲۸	الف - وجود پرداختی به فریدن
۲۱	ب - حق بیمه اجتماعی و یا حق آموزش
۲۳	ج - ادعاهای متناظر مربوط به نقض قرارداد
۲۵	۵ - نتیجه گیری و تبدیل نرخ ارز
۲۵	دو - ادعاهای اعتبارات استانداری مربوط به قراردادکارهای ساختمانی
۲۹	وادعاهای متناظر
۲۹	سه - ادعاهای سلب مالکیت
۳۹	۱ - ادعا

۴۰	۲ - تابعیت ادعا
۴۴	۳ - شرح واقعیات واظهار ارت طرفین
۵۰	۴ - یافته‌های دیوان
۵۰	الف - قابلیت انتساب سلب مالکیت به دولت ایران
۵۳	ب - فروش ادعائی
۵۴	ج - جریان فروش قانونی عین مرهونه
۵۶	سوم - بهره
۵۶	چهارم - هزینه‌ها
۵۷	پنجم - حکم

### اول - جویان رسیدگی

در ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴) دیوان داوری یک حکم جزئی (به شماره ۳ - ۳۰۲ - ۱۸۶) در این پرونده قادر و درمورد کلیه عناصر ادعای غیراز چهار عنصر که تصمیم راجع به آنها به بعد موكول گردید، رای صادر نمود. چهار جنبه از پرونده که دیوان حق خود را جهت اخذ تصمیم درباره آنها محفوظ نگهداشت، عبارت بودند از: (۱) ادعاهای ادعاها و ادعاهای متقابل مربوط به قرارداد کارهای ساختمانی، (۲) ادعاهای اعتبارات استادی که آنها نیز به قرارداد کارهای ساختمانی مربوطند (۳) ادعای سلب مالکیت از ساختمانی در تهران و (۴) هزینه‌ها.

دیوان داوری، طی دستور مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴) خود، از طرفین درخواست کرد نظرات خود را درباره موضوعات ناشی از قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در قرارداد کارهای ساختمانی اعلام دارد.

خواهانها، اینترنشنال تکنیکال پرداکتس کورپوریشن و آئی‌تی‌پی اکسپورت کورپوریشن ("آئی‌تی‌پی اکسپورت") (که مجموعاً "خواهانها" نامیده می‌شوند) در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۸ مهرماه ۱۳۶۴) در پاسخ به دستور مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴) پیش‌گفته، لایحه‌ای همراه با سوگندنامه‌هایی به ثبت رساندند.

نماینده رابط ایران نیز در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۷ مهرماه ۱۳۶۴) در پاسخ به دستور مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴) نامه‌ای به ثبت رساند و به دنبال آن در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۴ مهرماه ۱۳۶۴) خوانده، نیروی هوائی جمهوری اسلامی ("نهاجا") قائم مقام نیروی هوائی شاهنشاهی ایران (ن.ه.ش.) که از این پس "غالباً" به جای نیروی هوائی شاهنشاهی به آن اشاره می‌شود، لایحه‌ای در دیوان ثبت نمود.

دیوان دا وری در مورد ادعای سلب مالکیت لواح دیگری درخواست نکرد.

## دوم - دلایل صدور حکم

### الف - ادعاها و ادعاهای متقابل مربوط به قرارداد کارهای ساختمانی

#### ۱ - سوابق امر

همانطور که در حکم جزئی توصیف شد، آی تی پی اکسپورتون . ه . ش . در اول ژوئیه ۱۹۷۵ (۱۰ تیرماه ۱۳۵۴) قراردادی (به شماره ۵۴۱۱) جهت انجام پارهای کارهای ساختمانی در نه پایگاه نیروی هوایی ("قرارداد کارهای ساختمانی") به منظور نصب دستگاههای ردیابی رادار ("راپکن") منعقد شده بود. مبلغ قرارداد ۹۲۰،۳۵۴،۸۲۳ ریال به صورت یک رقم کلی بود که می‌باشد بعداً " مطابق با کاری که واقعاً انجام شده و مصالحی که بکار رفته و نیز با بت افزایش قیمت در اثر تورم ، تعدیل می‌شود.

آی تی پی اکسپورت برای انجام تعهدات خود بموجب قرارداد کارهای ساختمانی با یک شرکت سهامی عام ایرانی بنام شرکت تکنولوژی پیشرفته ایران ("یاتکو") توافق کرد که کار را مشترکاً " انجام دهد. یاتکو نیز بهنوبه خود با یک شرکت ایرانی دیگر بنام شرکت ساختمانی فریدن (اختصاراً "فریدن") برای انجام کارهای ساختمانی مورد نیاز ، قرارداد بست.

خواهانها ادعا می‌کنند که قبل از ترک ایران در دسامبر ۱۹۷۸ ، تمام تعهدات قراردادی خود را عملی " انجام داده بودند و اگر کاری هم باقی مانده بود ، فریدن ، پیمانکار فرعی یاتکو ، آنرا تکمیل کرد. در نتیجه خواهانها ، طبق شروط مربوط به پرداخت در قرارداد ، غرامت و استرداد سپرده‌های حسن انجام

کار را مطالبه می کنند. ادعای خواهانها در بادی امر جمعاً " بالغ بر ۹۷۲، ۱۴۴، ۲۲۹ ریال بود و در لوایح بعدی به مبلغ ۵۹۱، ۸۵۷، ۲۲۰ ریال تعدیل شد. ایشان همچنین بیهوده این مبلغ را مطالبه می نمایند.

ادعای قرارداد کارهای ساختمانی از چهار عنصر تشکیل می شود. اولاً، خواهانها بابت خدماتی که قبل از عزیمتshan از ایران انجام و صورتحساب آنرا ارسال داشتند و وجه آن تاکنون پرداخت نشده باقی مانده، مبلغ ۳۲۶، ۰۰۰ ریال مطالبه می کنند. این رقم ظاهراً " پس از وضع سه فقره کسوری که جمعاً ۱۵/۷ درصد بوده و در قرارداد پیش بینی شده مبادست آمده است، بدین ترتیب: ۱۵ درصد بابت حسن انجام کار و ۵/۵ درصد بابت حق بیمه اجتماعی و ۲/۵% بابت حق آموزش. ثانیاً، خواهانها درخواست دارند مبلغ ۵۹۱، ۶۳۳، ۱۲۶ ریال که معادل ارزش کارهای اضافی انجام شده و سیاهه نشده، بوده، و خواهانها آنرا طبق قرارداد، لکن خارج از محدوده کارهای پیش بینی شده اولیه انجام داده اند پس از وضع کسور مربوط، به آنان پرداخت شود. (۱) بدین ترتیب مبلغ واقعی مورد درخواست ۱۱۵، ۱۸۱، ۶۹۶ ریال است که معادل ارزش غیر خالص، یعنی ۱۲۶، ۶۳۳، ۰۹۱ ریال منهای ۳۰۹، ۶۶۳، ۱۳ ریال سپرده حسن انجام کار (۱۰%) و ۷، ۷۸۹، ۷۹۶ ریال کسور مالیاتی (۵/۷%) می باشد. ثالثاً، خواهانها مبلغ ۳۲، ۸۲۲، ۰۰۰ ریال بابت افزایش قیمت ناشی از تورم مطالبه می کنند که مالیات از آن کسر، لکن سپرده حسن انجام کار از آن کسر نشده است. و بالاخره، خواهانها استرداد ضمانت نامه های بانکی و سپرده های حسن انجام کار را مطالبه می کنند که بعد از تعديل بابت افزایش ارزش کارهای اضافی مندرج در لایحه معارض خواهانها جمعاً " به ۳۶۹، ۳۰۹ ریال بالغ می شود. این رقم شامل مبلغ ۱۳، ۶۶۳، ۳۰۹ ریال سپرده حسن انجام کار بابت

(۱) در قرارداد کارهای ساختمانی، طرفین پذیرفته بودند که حدود کارهایی که باید انجام شود، در موقع امضاء قرارداد دقیقاً قابل تعیین نبود. بنابراین شرط شدکه قیمت قرارداد بابت هر مقدار کار اضافی که بابت نیل به اهداف پروره قرارداد کارهای ساختمانی لازم باشد، تعديل گردد.

کارهای اضافی به علاوه ۲۳،۷۰۶،۰۰۰ ریال با بسته بقیه ضمانتنامه‌های بانکی می‌شود. (۲)

در جلسه استماع، خواهانها اقرار کردند که یک فقره به مبلغ ۴۸،۵۲۱،۹۱۷ ریال را که نهادجا با بسته پیشرفت کار در ۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۲ آبان ۱۳۵۷) پرداخته بود، در ادعا یشان منظور نگرده‌اند و پذیروفتند که برای منظور کردن این رقم، ادعا تقلیل داده شود، لکن از آنجاکه کسور مربوط قبلًا در رقم یاد شده منظور گردیده، باید ابتدا رقم ناخالص محاسبه و سپس از ادعاهکسر شود. بعبارت دیگر، وجه دریافتی کمتر از مبلغی بود که می‌باشد با بسته خدمات انجام شده دریافت گردد، زیرا  $\frac{15}{7}$  درصد با بسته کسور از آن کسر شده بود و بنابراین باید همان مبلغ کسر شده به مبلغ خالص اضافه شود تا ارزش ناخالص رقم پرداختی تعیین گردد. محاسبات مربوط، رقم ناخالص برابر  $52,558,620$  ریال بدست می‌دهد  $[(\frac{15}{7} - 100)\% \times 48,521,917]$  که شامل  $48,521,917$  ریال پرداختی توسط نهادجا و  $755,862$  ریال سپرده حسن انجام کار و  $841,280$  ریال کسور مالیاتی است. معهداً، خواهانها استدلال می‌کنند که استحقاق دارند مبالغی را که با بسته سپرده حسن انجام کار کسر شده، دریافت نمایند.

خوانده، نهادجا به ملاحیت دیوان برای رسیدگی به این ادعا براساس قید انتخاب مرجع رسیدگی که در قرارداد کارهای ساختمانی مندرج است ایراد می‌گیرند.

---

(۲) باید توجه داشت که مجموع تک تک ارقام ادعا به  $249,704,005$  ریال یعنی حدود ۱۹ میلیون ریال بیش از رقم مورد ادعای خواهانها، بالغ می‌شود. نظر به اینکه این تفاوت ظاہرا "ناشی از اشتباه محاسبه‌ای است که خواهانها در تجدید محاسبه ادعای خود بعد از دریافت اطلاعات لازم از خوانندگان و فریدن، مرتکب شده‌اند و مبلغ واقعی ادعا از اظهاریه‌ها و لوایح آنان قابل تشخیص می‌باشد، بنظر دیوان نیازی نیست که حکم محدود به کل ادعاهای اظهار شده گردد.

نهایا در مورد ماهیت ادعا اظهار می‌دارد که وجهکلیه صورتحسابهای مربوط به کارهای تکمیل شده قبل از دسامبر ۱۹۷۸ را پرداخت کرده و قبول ندارد که خواهانها قبل از عزیمت از ایران کارهای ساختمانی هیچیک از نه پایگاه را تکمیل کرده باشند، بلکه اظهار می‌دارد که قسمت اساسی کار ناتمام باقی ماند و فریدن آنرا انجام داد و نهایا مستقیماً "بابت آن به فریدن پرداخت کرد.

در مورد ادعای پرداخت بابت کار اضافی، نهایا استدلال می‌کند که طبق قرارداد کارهای ساختمانی هم نیروی هوائی باید هر کار اضافی را تصویب می‌کرد و هم‌آی تی پی اکسپورت گزارش‌های موقتی از پیشرفت کار اضافی انجام شده را ارائه می‌داد. نهایا ادعا می‌کند که تصویب‌های لازم بعمل نیامده و گزارش‌های پیشرفت کار تسلیم نشده است. خوانده، نهایا همچنین به آزاد کردن ضمانات مهای حسن انجام کار به این دلیل که خواهان صد درصد تعهدات خود را انجام نداده، اعتراض دارد.

نهایا در مخالفت با افزایش قیمت مورد ادعا بابت تورم اظهار می‌دارد که با توجه به تاخیرهایی که حسب ادعای وی در انجام کار توسط آی تی پی اکسپورت رخ داده، متعهدبه پرداخت چنین اضافه بھائی نیست.

هم نهایا و هم فریدن ادعاهای متقابلی مطرح کرده‌اند که در قسمتهای بعدی حکم مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت.

## ۲ - صلاحیت

موضوعات صلاحیت که قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در ماده ۵۳ قرارداد کارهای ساختمانی مطرح کرده به تفصیل در حکم جزئی درج گردیده و نیازی به تکرار آنها در اینجا نیست. اجمالاً آنکه قرارداد کارهای ساختمانی تنها

به زبان فارسی تهیه و امضاء شده بود . طرفین ، ترجمه‌های متفاوتی از ماده ۵۳ ارائه داده اند و دیوان از بخش ترجمه خود ترجمه‌دیگری درخواست و دریافت کرده است . ترجمه‌های مختلفی که ارائه شده از جنبه‌های حساس و اساسی با یکدیگر تفاوت دارند ، مضافاً " آنکه متن فارسی قید مرجع رسیدگی با متن فارسی تسلیمی به دیوان عمومی در پرونده زوکور اینترنشنال اینکورپوریتد و دولت ایران ، قرار اعدادی شماره ۲۵۴ - ۶ دیوان عمومی (۵ نوامبر ۱۹۸۲ - ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) که درص(۲۷۱) مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده چاپ گردیده ، از هر لحظه یکسان است . در آن پرونده ، دیوان نظر داد که قید مرجع رسیدگی ، از دیوان سلب صلاحیت نمی کند .

با توجه به شرایط مذبور ، دیوان از طرفین درخواست کرد درباره موضوعات زیر اظهار نظر کنند :

(۱) آیا دیوان در این پرونده ملزم به اجرای تصمیم منتخبه درپرونده زوکور می باشد؟

(۲) در صورتی که دیوان ملزم به اجرای تصمیم منتخبه درپرونده زوکور نباشد در آنصورت :

(الف) اگر قید مذبور به‌ نحوی از انحصار مبهم باشد باز هم می‌توان گفت که چنان قیدی در چهارچوب مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی "مشخصاً" رسیدگی به دعاوی مربوطه را در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های صالح‌الحدائق ایران قرار می‌دهد؟

(ب) اگر احتمالاً "چنین قیدی مبهم باشد ، چگونه باید ابهما مات متروح در این مورد حل شود؟

بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی "... ادعاهای ناشی از قراردادهای

تعهد آور فیما بین که در آن قراردادها مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انصاری دادگاههای صالحه ایران با توجه بهنظر مجلس شورای اسلامی ایران باشد" را از صلاحیت دیوان مستثنی میکند (خط تاکید اضافه شده). خوانده، نهایا از دیوان درخواست کرده است که دیوان نظر دهد که ماده ۵۳ قرارداد کارهای ساختمانی مشمول این استثناء صلاحیت شده و بنابراین هر ادعای مبتنی بر قرارداد از صلاحیت دیوان خارج است. نظربه اینکه متن فارسی اصلی ماده ۵۳ که مورد توافق است از کلیه جنبه‌های اساسی با متن فارسی قراردادی که دیوان عمومی در پرونده زوکور<sup>(۲)</sup> بررسی کرده یکسان است، بنابراین نهایا نتیجه‌ای را خواستار میباشد که کاملاً مخالف با نظر دیوان در آن پرونده است.

تحلیل و تجزیه دقیق استدلالات ارائه شده در این موضوع، به روشنی مشکلاتی را که تفاوت‌های ظریف و دقیق‌معائی می‌تواند در یک دیوان بین‌المللی‌مانند این دیوان داوری ایجاد نماید، نشان می‌دهد. در پرونده زوکور، قراردادهای مورد اختلاف "به فارسی تهیه و تنظیم" شده و ترجمه انگلیسی شروط یکسان آنها در مورد حل اختلاف که مورد استناد دیوان قرار گرفت توسط خواهان تهیه و مورد ایراد

---

(۲) در پرونده زوکور دو قرارداد به دیوان عمومی ارائه گردید که قید مرجع رسیدگی در هر دو یکسان بود و دیوان عمومی به ترجمه زیرا ذی‌بود مرجع رسیدگی مورد اختلاف، در آن پرونده استناد کرد که طبق مدارک موجود در پرونده زوکور توسط "یک مترجم رسمی وزارت دادگستری ایران" بعمل آمده بود:

#### Article 45 - Settlement of Disputes

Should a dispute arise between the Manufacturer and the Employer, whether related to the execution of the contractual works or about the interpretation of the Articles of the contract, general conditions of the contract and other contractual documents, and if the dispute is not resolved in an amicable way, the same shall be referred to competent judicial authorities and courts and shall be resolved in accordance with the laws in force in Iran unless there is a convention between the Imperial Government and the Government of the country of the Manufacturer.

اساسی خواندگان ایرانی واقع نشده بود. دیوان عومی (۴) بعد از بررسی دفاعیات

---

دبای لمزیرنویس شماره ۳

متعاقب تصمیم دیوان ، حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین ( به شماره ۳ - ۲۵۴ - ۱۶۸ ) در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۸۵ ( ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۳ ) صادر گردید، که ضمن سایر شروط ، پرداخت مبلغ ۵۲۷،۰۰۰،۶ دلار از حساب تضمینی در آن قید شده بود.

(۴) دیوان به ترجمه‌ای استناد کرد که بعد از بررسی مدارک پرونده معلوم شد، خواهان در لایحه خود درباره صلاحیت به دیوان ارائه داده و از چندین لحاظ با ترجمه‌ای که قبلًا در دادخواست خود ارائه داده بود تفاوت داشت. خوانده در لایحه خود درباره صلاحیت هم به ترجمه‌اصلی خواهان استناد کرده‌هم خود ترجمه‌ای ارائه داد.

ترجمه‌ای که خواهان بدوان " ارائه داد، بصورت زیر بود :

Article 45 - Settlement of Disputes

If a disagreement arises between the Manufacturer and the Employer, because of expenses concerning the execution of the contractual works or about the interpretation of the Articles of the Contract, general conditions of the Contract and other contractual documents, and if the disagreement is not resolved in an amicable way, this disagreement will be taken to court according to the laws in force in Iran unless there is a Convention between the Imperial Government of Iran and the Government of the country of the Manufacturer.

ترجمه خوانده بصورت زیر بود :

In the event a dispute arises between employer and manufacturer, irrespective of whether it relates to performance or interpretation of the provisions of the contract, the General Conditions , or other documentations appended to the contract, in case the parties are not capable of settling the dispute through compromise, the dispute shall be settled by reference to the competent courts of justice, under the laws of Iran, unless there is in force btween (sic) Iran and the manufacturer's Government a contract or other regulations in this respect.

و لوایح طرفین و دادن امکان استماع اظهاراتشان ، تشخیص دادکه شرط منتقول در فوق به دو دلیل نمیتواند صلاحیت را از دیوان سلب کند :

ماده ۴۵ ... حاوی شرطی نیست که به روشنی ، صلاحیت را منحصر به دادگاههای ایران نماید... و با صراحت کافی ، حائز شرط استثنای مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی نمیباشد.

\* \* \*

ماده ۴۵ ... تنها در مورد اختلافات و منازعات فیما بین طرفین که ناشی از تعبیرو تفسیر قراردادو مدارک ذیربظ باشد... تفویضی صلاحیت میکند... این نحوه انشاء عبارت به این مفهوم است که طرفین برخی جنبه های قرارداد را از صلاحیت دادگاههای منتخب ، در صورتی که وجود داشته باشد، مستثنی نموده اند. قرار اعدادی مورخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) در پرونده شماره ۱۵۹ (فورد ارو اسپرس و سیروی هوائی ایران) قرار اعدادی شماره ۱۵۹-۶ دیوان عمومی که در صفحه ۲۸۶ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری ایران ایالات متحده به طبع رسیده است .

دعای زوکور حاکم بر مورد حاضر در صورت ظاهر آنست. گذشته از آنکه ماده ۵۳ قراردادکه متن فارسی آن حاکم است با متن ماده ۴۵ در پرونده زوکور تا آنجاکه عبارات حساس مدنظر است ، یکسان میباشد،<sup>(۵)</sup> طرفین هردو ترجمه هایی به انگلیسی به دیوان ارائه داده اند که در هردوی آنها آمده است که اختلافات

---

(۵) نهایا خود ترجمه ای بصورت زیر تسلیم نموده است :

Where disputes arise between the owner and the contractor including but not limited to those disputes arising out in relation to the performance of the operation under the contract and/or to the interpretation and construction of the provisions of the contract and of the General Terms and other instruments and documents attached thereto (sic), if the parties fail to resolve such disputes through agreement, recourse shall be had to competent judicial courts and fora.

باید به : "competent judicial courts and fora" (محاكم و مراجع صالحه) ارجاع شود، بدون آنکه صراحتاً ذکری از ایران رفته باشد. این اشاره اساساً با ترجمه انگلیسی در پرونده زوکور که در دیوان عمومی مطرح شده یعنی "competent judicial authorities and courts". یکسان است.<sup>(۶)</sup>

---

دبایله زیرنویس شماره ۵

خواهانها ترجمه زیر را از ماده ۵۳ ارائه داده اند:

Article 53 - Settlement of Disputes

Where disputes arise between the Owner and the Contractor, whether in relation to the performance of the operations under the contract or to the interpretation and construction of any of the provisions of the contract and of the general terms and other instruments and documents attached thereto, if the parties fail to resolve such disputes through agreement, recourse shall be had to competent judicial courts and fora.

(۶) ولی دو متن انگلیسی ارائه شده در اینجا، در نکته دیگری که در پرونده زوکور رسیدگی شد با یکدیگر اختلاف دارند. در ترجمه‌ای که خواهانها ارائه داده اند، عبارت :

"disputes ..., whether in relation to the performance of the operations ...or to the interpretation and construction..."

مفهوم روشنی داشته، مانع اعمال صلاحیت توسط دیوان در پرونده‌های زوکور و فورد ارواسپیس نمی‌شود. لکن ترجمه‌ای که نهاده داده و در آن، عبارت "including but not limited to, " را بکاربرده، ظاهراً " و به تنها ؓی، مانع اعمال قيد استثناء (مرجع رسیدگی) نمی‌گردد.

عاملی که بر اعتماد به دقت این ترجمه می‌افزاید، اینست که ترجمه خواهان تو سط مترجم حرفه‌ای فارسی - انگلیسی / انگلیسی - فارسی انجام شده که سابقاً "دارنده پروانه مترجمی رسمی از وزارت دادگستری بوده است.

با چنین سابقه‌ای، نهایا در دفاعیه خود استدلای را مطرح کرده که در دیوان عمومی در پرونده زوکور قابل طرح نبوده‌یا حداقل به آن دقت قابل طرح نمی‌بود؛ نهایا ادعا می‌کند که کلمه "ایرانی" یا "ایران" یا عبارت "وزارت دادگستری ایران" در بطن عبارت "محاكم و مراجع صالحه قضائی" مستتر است. نهایا در عین حال که تصدیق می‌کند که هیچ اشاره صریحی به این عبارت خاص، در متن اصلی فارسی نشده، معهذا استدلال می‌کند که از عبارت خاص فارسی که در اینجا بکار رفته باید مفهوم "دادگاه‌های تابعه وزارت دادگستری ایران" استنباط شود:

باتوجه به مفهوم کلی ماده ۵۳ در بطن عبارت "محاكم و مراجع صالحه قضائی" کلمات "وزارت دادگستری" و "ایران" باید استنباط شود.

ترجمه غیر مصدقی که خواهان قبلاً با دادخواست خود تسلیم کرده و در مورد مترجم آن به دیوان توضیحی داده نشده و در آن عبارت "the appropriate courts of the Ministry of Justice" "بکار رفته، تصادفاً" نظر وزارت دفاع را تأیید می‌کند.<sup>(۷)</sup> از طرف دیگر، شگفت‌آور است که چنین

---

Article 53 - Settlement of Disputes

(۷)

Any disputes that may arise between the Contractor and the Employer whether relating to execution of the works subject matter of the Contract or relating interpretation of any of the Articles of the Contract Booklet the General Conditions or other documents attached to the Contract, and which cannot be settle (sic) amicably through mutual agreements, shall be settled through the appropriate courts of the Ministry of Justice.

استدالی در مورد پرونده زوکور مطرح نشد. از ترجمه تسلیمی خواندگان ایرانی آن پرونده که به "محاكم صالحة دادگستری" "the competent courts of Justice" اشاره می‌شده، معلوم می‌شود در صورتی که چنین موضوعی مطرح می‌بود باید از آن آگاه می‌بودند. رجوع شود به زیر نویس ۴ فوق.

در این شرایط، دیوان از بخش ترجمه خود نظر خواست. رجوع شود به حکم جزئی (به ویژه ضمائم الف و ب) و دستور مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴). نتیجه این مشاوره تائید کرد که کلمات "ایران" یا "ایرانی" یا لغاتی به آن معنی، در ماده ۵۳ صراحت خالی از ابهام نداشته، بلکه برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای، عبارت مربوط مستلزم قدری تعبیر و یا تفسیر است. (۸) نیاز به چنین استنباطی با ترجمه‌های مختلفی که در فوق نقل شده تائید می‌گردد. ظا هرا "نیز، پخش ترجمه دیوان بعنوان معادل فارسی عبارت مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی عبارتی را به کار می‌برد که با عبارت مورد استفاده در ماده ۵۳ یا ماده ۴۵ در پرونده زوکور یکسان نبوده، بلکه عبارتی است حاوی اشاره صریحی به ایران. مضاها"، واژه‌نا مه حقوقی انگلیسی به فارسی که بخش ترجمه دیوان کلمه فارسی مورد نظر را در ترجمه واژه JUSTICE "در دو عبارت "Permanent Court of Justice" و "International Court of Justice" به کار برده است.

---

#### دبالة زیر نویس شماره ۷

با توجه به اشاراتی که در این ترجمه به "disputes ... whether relating to execution of the works... or relating interpretation" می‌شود، صرفنظر از اینکه اشاره آخر عبارت به "دادگاهها" چگونه تعبیر شود، دیوان می‌باشد در پرونده‌های زوکور و فورد ارو اسپیس اعمال ملاحیت می‌کرد.

(۸) لکن درگزارش بخش ترجمه دیوان نظردا داشد که هر چند می‌توان عبارت مذکور را به "Justice" یا "ADMINISTRATION OF JUSTICE" که مفهوم عادی آن است ترجمه کرد لکن تنها مفهوم قابل قبول از آن متن "وزارت دادگستری" است.

لوایح خاصی که طرفین درباره این موضوع ارائه داده اند درا ساس، اظهارات پیشین آنان را تائید می کنند. هم نماینده رابط ایران و هم نهاده لوایحی تسلیم نموده اند که موضع اولیه نهاده را تکرار می کنند، خواهانها سوگندنا مهایا اظهارنظر چهار کارشناس را تسلیم کرده اند که تائید می کنند هر اشاره ای به "ایران" ، "ایرانی" یا "وزارت دادگستری ایران" در اصطلاح مورد بحث بطور صریح نبوده بلکه باید تلویحاً استنباط شود: <sup>(۹)</sup>

- (۱) اظهارات دکتر دبلیو ام. تاکستون ، جونیر ، استاد رشته زبان فارسی دانشگاه هاروارد مشغیر آنکه عبارت فارسی موردا خلاف را می توان یا بعنوان اسم معنی به مفهوم ، اجرای عدالت (یا قوه قضائیه) یا به عنوان صفت به مفهوم "قضائی" به کاربردو نتیجه می گیرد که "ترجمه ارجح عبارت موردا خلاف" ، یا "recourse to the competent courts and authorities of the judiciary" "recourse to the competent judicial courts and authorities (or fora)" می باشد.

(۲) ترجمه مصدقی که موسسه ترجمه برلیتس از ماده ۵۳ ارائه داده، بشرح زیر:

#### Article 53 . Resolution of Dispute

In case of disputes between principal and contractor, whether related to performance of the contract or to the interpretation of the articles contained therein, the general conditions, or other attached documents, the parties, if unable to resolve the subject of dispute by way of agreement, will refer the matter to the courts of justice for resolution.

---

(۹) نماینده رابط ایران طی نامه ای که در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۲ مهرماه ۱۳۶۴) ثبت نمود از دیوان درخواست کرداین لایحه که "برخلاف دستور مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴) دیوان است و نامه مورخ ۹ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۷ مهرماه ۱۳۶۴) نماینده رابط در پاسخ به آن تسلیم شده، مردود شناخته شود. لکن در دستور مذکور ذکر شده بود که "دیوان طی حکم جزئی خود به شماره ۳۰۲ - ۳۰۳" در این پرونده تشخیص داد که پاره ای موضوعات مستلزم اظهار نظر طرفین بوده" و از طرفین خواست "در مورد چگونگی حل ابهامات مطروح" نظر خود را به دیوان اطلاع دهند. قسمت مربوطه حکم جزئی به دستور پیوست، و صریحاً

(۳) سوگندنا مه مفصل یک مترجم حرفه‌ای و مترجم رسمی سابق وزارت دادگستری ایران که ماده ۵۲ مورد استناد خواهانها را ترجمه کرده بود در تائید ترجمه خود و نتیجه‌گیریها بیش.

(۴) سوگندنا مه از حمید صبی "وکیل ایرانی که در کلیه دادگاه‌های ایران حق حضور دارد" و در آن به تفصیل در مورد این موضوعات بحث و نتیجه‌گیری شده که متن ماده ۵۳ "حاوی عبارتی که بنحوی غیر مبهم، صلاحیت رسیدگی را منحصراً به دادگاه‌های صالحه ایران واگذار کند، نیست".

بدین ترتیب، سوای این موضوع که تصمیم قبلی دیوان دربرونده زوکور ما هیتا"الزم آور است، مسئله عده‌ای که در مقابل دیوان قرار دارد این است که آیا یک قید انتخاب مرجع رسیدگی که در آن، واژه "ایران" بنحوی ازابها می‌قید شده، می‌تواند "مشخصاً هر اختلاف ناشی از آن را منحصراً در صلاحیت دادگاه‌های ایران قرار دهد". (تاكید اضافه شده). به نظر دیوان چنین امری امکان ندارد. یک اشاره ضمنی نمی‌تواند صراحت داشته باشد و مستلزم آن است که طور قاطع ذکر شود. Concise Oxford Dictionary 1101(sixth ed.) دیوان عمومی، در مورد کاربرد اشاره به "دادگاه‌های صالح ایران" در بند ۱ ماده دو نظر داده است که "مشخصاً در واقع به مفهوم "حالی ازابها" است. برای نمونه رجوع شود به گیبس اند هیل اینکورپوریتد و توانیر قرار اعدادی شماره ۶ - ۱ دیوان عمومی ص. ۵ - ۴ (۵ نوامبر ۱۹۸۲ / ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) که در صفحات ۲۲۶ - ۲۲۸ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری

---

دبایله زیرنویس شماره ۹

قیدش که به طرفین فرست اظهار را درباره پاسخ بخش ترجمه دیوان درباره این موضوعات داده می‌شود و طی دستور جداگانه‌ای مهلت انجام این کار را تعیین کرد. اظهاریه خواهان به روشنی در پاسخ به این دعوت ارائه شده و بنابراین دیوان باید آنرا مورد رسیدگی قرار دهد.

دعا وی ایران - ایالات متحده به چاپ رسیده و اج انتی بی و ایران ، قرار اعدادی شماره ۶۸ - ۳ دیوان عمومی صص ۴ - ۳ (۵ نوامبر ۱۹۸۲ / ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) که در صفحات ۲۴۸-۲۵۰ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعا وی ایران ایالات متحده به طبع رسیده و تی سی اس بی اینکورپوریتد و ایران - قرار اعدادی شماره ۱۴۰ - دیوان عمومی صص ۳ (۵ نوامبر ۱۴/۱۹۸۲ آبان ماه ۱۳۶۱) که در صفحات ۲۶۱ تا ۲۶۳ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعا وی ایران ایالات متحده به طبع رسیده ، و زوکور اینترنشنال اینکورپوریتد و ایران مورد اشاره در زیرنویس ۳ فوق، که در صفحه ۲۷۳ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعا وی ایران ایالات متحده به چاپ رسید . معهذا ، آنچه که نیاز به استنباط را ایجاد کرده ابهام عبارت است . مضاوا " در هیچیک از تصمیمات متخذه ، صلاحیت دیوان بموجب مفاد قید مرجع رسیدگی در بند ۱ ماده دو سلب شده است مگر براساس یک قید انتخاب مرجع رسیدگی که صراحتا " به دادگاههای " ایران " اشاره کرده باشد .<sup>(۱۰)</sup> برای نمونه رجوع شود به هالیبرتن کامپنی و دورین ایمکو ، قرار اعدادی شماره ۵۱ - ۲ دیوان عمومی ، صص ۷-۴ (۵ نوامبر ۱۹۸۲ - ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) که در صفحات ۶۷ - ۲۴۵ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری ایران - ایالات متحده به چاپ رسید و جرج دبلیو دراکر جونیور و شرکت معاملات خارجی - قرار اعدادی شماره ۱۲۱ - ۴ دیوان عمومی صص ۷-۲ (۵ نوامبر ۱۹۸۲ / ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) که در صفحات ۵۶ - ۲۵۲ و ۲۵۲ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعا وی ایران - ایالات متحده به

(۱۰) ضمن اینکه ظاهرآ " در چند پرونده ، عباراتی از قبیل "مراجع قانونی" مورد تفسیر واقع گردیده تا احرار شودکه مراد از آن "دادگاه" است ، فی المثل در پرونده جرج دبلیو دراکر جونیور و شرکت معاملات خارجی ، قرار اعدادی شماره ۱۲۱ - ۴ دیوان عمومی صفحات ۳ تا ۴ (۵ نوامبر ۱۹۸۲ - ۴ آبان ماه ۱۳۶۱) که در صفحات ۲۵۲ و ۲۵۴ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعا وی ایران - ایالات متحده به چاپ رسیده ، مغذلک در موادی که ماهیت "ایرانی بودن" این چنین مراجع در قید انتخاب مرجع ، تلویحی بوده و صراحت نداشته ، صلاحیت دیوان نفی شده است .

طبع رسیده و تی سی اس بی اینکورپوریتد و ایران - مذکور فوق، صفحات ۸ - ۴ که در صفحات ۲۶۷ - ۲۶۳ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده به طبع رسیده، و استون انڈ وبستروشرکت ملی پتروشیمی - قرار اعدادی شماره ۲۹۳ - ۸ دیوان عمومی صص ۶ - ۳ (۵ نوامبر ۱۹۸۲ / ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) که در صفحات ۲۷۴ ، ۷۷ - ۲۷۵ مجلد یک گزارش احکام دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده به چاپ رسیده است . بنابراین در این پرونده دلیلی برای عدول از تصمیم متخذ در پرونده زوکور نمی‌یابیم و در نتیجه معتقدیم که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای ناشی از قرارداد کارهای ساختمانی را دارد . (۱۱)

### ۳ - ماهیت ادعا

#### الف - خدمات انجام شده که صورتحساب آنها صادر شده است

خواهانها در مورد ادعاهای مربوط به خدماتی که انجام داده و با بت آنها صورتحساب ارسال داشته‌اند، نسخه‌ای از یک صورتحساب به تاریخ ۲۲ اوت ۱۹۷۸ (۵ شهریورماه ۱۳۵۷) ، به مبلغ ۵۹,۳۲۶,۰۶۷ ریال تسلیم نموده‌اند . خواهانها همچنین سوگندنا مه مدیر سابق قراردادهای خود را ارائه داده‌اند، دایر بر آنکه قبل از عزیمت خواهانها از ایران معادل ۵۹,۳۲۶,۰۰۰ ریال ، طبق قرارداد کارهای ساختمانی ، کار انجام شده بود، لکن خوانده مدرکی حاکی از یک فقره پرداخت با بت پیشرفت کار ارائه داده که اینک مورد تصدیق خواهانهاست . پرداخت مربور ، مبلغ ۵۷,۵۵۸,۶۲۰ ریال از رقم ۵۹,۳۲۶,۰۰۰

(۱۱) بدینترتیب نیازی نیست که دیوان در مورد عبارت فارسی دیگری که مورد اختلاف است و طبق نظر بخش ترجمه دیوان "... ممکن است ابهامی را که در متن اصلی فارسی وجود ندارد ... در ترجمه ایجاد نماید" بطور جداگانه نظر دهد .

ریال صورتحساب داده شده مورد مطالبه را تشکیل می‌دهد. نظر به آنکه خوانده هیچگونه توضیحی در مورد تفاوت دو رقم یعنی ۱۴،۲۶۷،۳۸۰ ریال ارائه نکرده، نظر دیوان برآن است که مبلغ مزبور کماکان بر عهده نهایا می‌باشد.

### ب - کارهای اضافی

مبلغی که خواهانها بابت کار اضافی درخواست کرده‌اند از محاسبات مورخ ۷ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۸ آبان ماه ۱۳۵۸) که توسط فریدن بعمل آمده و از طریق نماینده خواهانها در ایران به آنان تسلیم شده، استخراج گردیده و خوانندگان هیچگونه مدرکی در رد آن ارائه نداده‌اند. هر چند مدرکی که خوانده، نهایا در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۲ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۱) در تائید دفاعیه و ادعای متقابل خود ثبت نمود حاوی صورتجلسه مورخ ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۴ مهر ماه ۱۳۵۷) می‌باشد که طی آن فریدن، آی‌تی پی اکسپورت و یاتکو به قصد حل و فصل این ادعا به مبلغ کمتری مذاکره می‌کردند، بنظر می‌رسد که موافقتناهی حل و فصل پیشنهادی منضم به آن هرگز به امضاء نرسید. این مطلب با رقم بالاتری که فریدن بعداً "در ۷ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۶ آبان ماه ۱۳۵۸) ادعا کرد و اینکه مورد مطالبه خواهانهاست، تائید می‌گردد. با توجه به اینکه فریدن در واقع سعی کرده در جریان رسیدگی به این پرونده بعنوان خواهان متقابل وارد شود، دیوان محاسبه فریدن را در مورد مانده حساب تصفیه نشده، برای اثبات ادعای کار اضافی به مبلغ ۱۳۶،۶۳۳،۰۹۱ ریال معتبر و کافی می‌داند.

دیوان همچنین معتقد است که دفاعیات حقوقی نهایا در مورد پرداخت فاقد اعتبار است. در مورد دفاع نهایا مبنی بر آنکه آی‌تی پی اکسپورت گزارش‌های پیشرفت کار مقرر را ارائه نداده، دیوان متذکر می‌گردد که تنها گزارش پیشرفت کاری که در قرارداد مقرر شده، شرح کارهای مانه است.

ماده ۳۷ شرایط عمومی قید می کند که این شرح کارهای ماهانه را نباید پیمانکار (یعنی آی تی پی اکسپورت) تهیه کند، بلکه تهیه آنها به عهده هیئت ناظر منتخب کارفروما (ن.ه.ش.) با همکاری نماینده پیمانکار است. بنا براین تهیه شرح کارها وظیفه آی تی پی اکسپورت نبوده، و قصور در تهیه چنین گزارشها ای ازناحیه هیئت ناظر بدون آنکه بتوان این قصور را بآی تی پی اکسپورت نسبت داد، نمی تواند نهایا را از تعهدات خود در مورد پرداختها معذور نماید.

بهمنیں نحو، دیوان استدلالات نهایا را در مورد لزوم تصویب کاراضافی وارد نمی داند. نهایا در هیچ مورد ادعا نکرده که کارهای لازم برای نیل به هدفهای قرارداد، غیر ضروری بوده یا وی آنها را نپذیرفتهاست. بنا براین صرف نظر از آنکه تصویب قبلی صورت گرفته، یا در واقع ضروری بوده یا نبوده، واضح بینظر می رسد که نهایا با رغبت از کارهای اضافی بهره برده و متقابلاً متعدد است، اگرنه به استناد قرارداد، بلکه طبق تئوری اجرت المثل، اجرت این کار را بپردازد.

مع الوصف، در قرارداد کارهای ساختمانی در مورد مقدار کاراضافی محدودیتهای قید شده است. ماده ۳۵ شرایط عمومی قید می کند که کل هزینه "کارهای جدید" نباید از ۱۰٪ مبلغ اولیه قرارداد که ۹۲۳، ۳۵۴، ۸۲۳ ریال بود تجاوز کند. لکن "کارهای جدید" تنها کارهایی را که خارج از محدوده قرارداد اصلی بوده و برای آنها قیمت های واحد مشخص نشده شامل می شود. ماده ۲۹ که ناظر بر "تغییر در مقدار کارها" است و قیمت های واحد کارهای اضافی نمی تواند از تعیین شده است، قید می کند که این قبیل کارهای اضافی نمی تواند از ۲۵ درصد قیمت اولیه قرارداد تجاوز کند. به نظر دیوان این فرض منطقی است که کارهای اضافی مذکور در صورت وضعیت فریدن، هم شامل "کارهای جدید" و هم شامل "تغییر در مقدار کارها" است و مبلغی که فریدن بدینترتیب

مشخص کرده از حدود مقرر در قرارداد تجاوز نمی‌کند زیرا فقط ۱۲/۵ درصد قیمت اصلی قرارداد را تشکیل می‌دهد . موید این نتیجه‌گیری آنست که نهاد شرط محدودیتها را بعنوان یک موضوع مورد اختلاف مطرح نکرده است .

براین اساس ، طبق تشخیص دیوان ، نهاد طبق محاسبه‌ای که فریدن پس از وضع کسورات مربوط بعمل آورده ، مبلغ ۱۸۱،۶۹۶ ریال با بت قیمت خالص کارهای اضافی ، به خواهانها بدهکار است .

#### ج - افزایش قیمت ها

در ماده ۷ شرایط عمومی قرارداد پیوست قرارداد کارهای ساختمانی "ماده ۳۰" (مکرر) منضم به شرایط عمومی و ماده ۱۳ شرایط ویژه همان قرارداد ، افزایش قیمت‌های پیش‌بینی شده است . خواهانها با بت این قبیل افزایش قیمت‌ها محاسبات زیر را تسلیم نموده‌اند :

(ارقام به ۱۰۰۰ ریال)

۱ - خالص مبالغ وصولی با بت افزایش قیمت ها

$$\underline{77,507} = \underline{65,328} + \underline{0,843}$$

۲ - حق خواهانها نسبت به افزایش قیمت  
نهائی با اعمال شاخص سالهای تقویمی  
۵۶ و ۵۷ در پرداختهای ضمن کارت

$$\underline{26,094} \quad \text{صورتحساب پرداخت شماره ۸}$$

۳ - حق خواهانها نسبت به افزایش مانده  
قیمت اصلی قرارداد با فرض تحویل موقت  
مسلم و (تعادی ز محلها) در طول سه ماهه  
دوم / سوم سال تقویمی ۵۷

۵,۸۰۰

۱۰۹,۴۰۱

۱۰۳,۱۶۵

(۶۵,۳۳۸)

۴ - مبلغ ناخالص اضافی پرداخت مورداً دعا  
حق خالص خواهانها (یعنی با کسر ۵/۷ درصد)  
منهای مبلغی که قبلًاً بصورت خالص  
با بت افزایش قیمت پرداخت شده

۳۷,۸۲۷

۵ - خالص مانده افزایش قیمت مورداً مستحقاً

خوانده، نهایاً اظهار داشت که خواهانها حق مطالبه هیچگونه افزایش قیمتی را ندارند زیرا طبق استدلال وی، این قبیل افزایش قیمت‌ها تنها ناشی از تطویل مدتی است که در اثر تاخیر خواهانها در انجام کاراً بجای شده است. لکن همانطور که دیوان ذیلاً در رد ادعای متقابل مبنی بر همین اظهارات متذکر گردیده، نهایاً هیچگونه مدرکی در تائید ادعای متقابل خود ارائه نداده است. دیوان مقرر می‌دارد که خواهانها حق دارند تماً می‌مبلغ مورداً دعاً خود را منهای ۱۵ درصد سپرده‌حسن انجام کاری که از محاسبات خود کسر نکرده‌اند دریافت نمایند. مبلغ مورد درخواست با بت افزایش قیمت‌ها نیز نظیر مبلغ مورد مطالبه با بت کارهای اضافی، از محاسبات انجام شده توسط فریدن استخراج گردیده و بنظر دیوان محاسبات مجبور صحیح است. (۱۲) از آنجا که

(۱۲) صورت وضعیت فریدن حاوی محاسباتی در مورد افزایش قیمت کارهای اضافی نیز هست. لکن نظر به آن که خواهانها از این بت، افزایش قیمتی مطالبه نکرده‌اند، دیوان تعیین حق آنان از این بت را ضروری نمی‌داند.

خوانده ، نهاد ایرادی به محاسبات نگرفته ، بنظر دیوان نهادا بابت افزایش قیمت مبلغ ۲۶،۸۸۷،۰۴۳ ریال به خواهانها بدھکار است که به نحوزیر محاسبه می شود :

نالص افزایش قیمت مورد مطالبه  
۱۰۹،۴۰۱،۰۰۰ ریال

منها ۱۵/۷ درصد کسور مربوط

۹۲،۲۲۵،۰۴۳ -

الصلح خواهانها

کسر می شود : پرداخت های قبلی بابت افزایش

قیمت ها

۲۶،۸۸۷،۰۴۳ مبلغ بدھی بابت افزایش قیمت ها

#### د - ضمانت نامه های بانکی و سپرده های حسن انجام کار

چهارمین عنصر ادعای خواهانها بمحض قرارداد کارهای ساختمانی ، مربوط به ضمانت نامه های بانکی و مبالغی است که بابت سپرده حسن انجام کار کسر گردید . در ماده ۲۵ شرایط عمومی قرارداد پیش بینی شده بود که از کلیه صورت وضعیت های تسلیمی آی تی پی اکسپورت ، ۱۰% بابت سپرده حسن انجام کار کسر و در حساب جداگانه ای توسط ن . ه . ش . نگاهداری شود . قرار بود نبمی از مبلغ کسر شده بعد از تصویب صورت وضعیت نهائی ، مسترد و نصف دیگر باقیمانده بعد از انقضای یک مدت ضمانت دو ساله ، پرداخت شود . ماده ۳۵ " مضاوا " قید می کرد که آی تی پی اکسپورت می تواند با سپردن ضمانت نامه بانکی بابت کلیه مبالغ برداشتی ، از حساب سپرده مبالغی برداشت کند . این برداشتها بعمل آمد و ضمانت نامه های بانکی صادر گردید . در نتیجه ،

ضمانت نامه های با نکی هما ن ضمانت نامه های حسن انجام کار بوده و ابطال آنها ،  
مانند استرداد سپرده های کسر شده ، طبق قرارداد منوط به اینست که خواهانها  
کار را بنحو احسن انجام داده باشند.

راجع به خسارت مورد ادعا خواهانها اظهار می دارند که میزان ضمانت نامه های با نکی در موضع  
عزیمت شان از ایران ، معادل ۲۳،۷۵۶،۰۰۰ ریال بود و خواندنگان نیز به این  
رقم اعتراض نکرده اند . خواهانها اظهار می دارند که مبلغ مذکور معادل  
مبالغی است که از مبلغ اصلی ضمانت نامه کسر شده و نهایا پس از تحويل  
موقعت شش محل از نه محل اجازه کسرا بین مبلغ را داده است . خواهانها اصل  
مبلغ ضمانت نامه را در محاسبه وجهی که از نهایا طلب دارند منظور  
کرده اند . خواهانها همچنین استرداد مبالغ کسر شده از پرداخت  
پیشرفت کار نوا مبر ۱۹۷۸ ، پرداخت با بت کارهای اضافی و پرداختهای مربوط  
به افزایش قیمت را که در فوق در رابطه با ادعای پرداخت اقلام یا داشده  
اشاره گردید ، مطالبه می کنند .

در مورد تعهد حسن انجام کار خواهانها ، مدارک مستند حاکی از آن است که  
نامبردگان کار خود را به نحو رضایت بخش انجام داده اند . نسخ صورتجلسات  
و گواهی های قبولی که به دیوان ارائه شده ، معلوم می کنند که حداقل هفت  
 محل از نه محل ساختمان بطور موقعت تحويل ن . ه . ش . شده و محل هشتم  
(بندرعباس) قرار بود در اول نوا مبر ۱۹۷۸ (۱۵ آبانماه ۱۳۵۷) بطور موقعت تحويل  
شود ولی نماینده ن . ه . ش نتوانسته بود به علت اعتراض خطوط هوایی مائی در  
جلسه حضور یا بد . طبق قرارداد ، تحويل موقعت وقتی صورت می گرفت که کار محل  
خاصی حداقل به میزان ۹۷ درصد تکمیل شده باشد . هر چند در گواهی های قبولی ،  
نقایصی که باید رفع شود ذکر گردیده بود ، اسنادی که بعدا " مقامات ن .  
ه . ش . امضاء کردند حاکی از آن است که گواهی رفع نقایص اغلب محل ها  
ارائه گردید . به نظر دیوان دلیلی وجود ندارد که ما بقی نقایص سایر محلها

به همین نحو رفع نشده باشد.

با توجه به مراتب فوق، دیوان معتقد است که خواهانها در موقع عزیمت از ایران تعهدات قراردادی خود را در مورد حسن انجام کار اجرا کرده بودند. نظراتی که دیوان در حکم جزئی داده، روش می‌سازد که خواهانها از ادامه اجرای کار معذور بوده‌اند و در نتیجه استحقاق دارند که کلیه مبالغی را که با بت حسن انجام کار کسر شده، از نهاد دریافت نمایند. این کسور جمعاً "بالغ برو ۳۵۹،۲۷۱ ریال و به شرح زیر است:

مبلغ کسر شده از پرداخت پیشرفت کار مورخ ۴

نوا مبر ۱۹۷۸ (۱۳ آبان ۱۳۵۷)

۵،۷۵۵،۸۶۲

مبلغ کسر شده از کارهای اضافی (فرضی)

۱۳،۶۶۳،۳۰۹

کسر شده از ارقام پرداختی با بت افزایش

۱۰،۹۴۰،۱۰۰

قیمت‌ها (فرضی)

۳۰،۳۵۹،۲۷۱ (۱۲)

کل طلب خواهان

با بت مبالغ کسر شده از سایر اقلامی که صورت حساب آنها صادر و وصول شده‌اند، ادعائی مطرح نشده و دیوان ناگزیر چنین تلقی می‌کند که خواهانها تما می‌این قبیل مبالغ کسر شده را با دادن ضمانت‌نامه‌های بانکی برداشت کرده‌اند.

در مورد ارزش ضمانت‌نامه‌های بانکی که مورد مطالبه خواهانهاست، دیوان

(۱۲) این رقم بیش از مبالغ مورد ادعای خواهان است، صرفاً "به این علت که دیوان ترجیح داده بجا اینکه این مبالغ را آنطور که خواهان درخواست کرده، بطوریکجا از ادعای منظور کنده، مبالغ کسر شده از پرداخت ضمن کار و پرداختهای افزایش قیمت را جداگانه منظور نماید.

نمیتواند مبنای حقوقی این مطالبه را درکند. خواهانها نهادعا و نه اثبات کرده‌اند که نهایا وجه ضمانت نامه‌ها را وصول کرده‌است، بنا براین می‌توان گفت که خواهانها حداکثر حق دارند ضمانت نامه‌ها باطل شود زیرا ضمانت نامه‌ها برای تامین مبالغ کسر شده‌ای صادر شده که خواهانها قبلاً برداشت کرده‌اند. در نبود مدرکی دال بر آن که وجه ضمانت نامه‌ها پرداخت و درنتیجه خواهانها متضرر شده باشند مدور حکم پرداخت ما به ازاء ضمانت نامه‌ها به منزله‌ایست که مبالغ کسر شده بابت حسن انجام کار، دوبار پرداخت شود.

مضاها "، دیوان نمیتواند دستور ابطال ضمانت نامه‌ها را صادر کند زیرا بانک یا بانکهای درگیر، در این رسیدگیها طرف دعوی نمی‌باشد. درواقع حتی نام و نشان بانک یا بانکهای ضا من به دیوان اطلاع داده نشده است.

معذلک دیوان می‌تواند و موظف است که به حقوق خواهانها و نهایا نسبت به تعهدات موضوع ضمانت نامه‌ها رسیدگی کند. اکنون که دیوان نتیجه‌گرفته است که خواهانها تعهد خود را در مورد حسن انجام کار، تا تاریخ عزیمت از ایران انجام داده و از ادامه آن بعد از آن تاریخ مذور بوده‌اند، نظر دیوان این است که ضمانت نامه‌ای بانکی که برای تامین برداشت از محل سپرده‌های حسن انجام کار صادر شده، دیگر بلا شر است و به نهایا دستور میدهد که از آن بابت هیچ مطالبه‌ای نکند. رجوع شود به موریسن کنودسن پسیفیک لیمیتد و وزارت راه و ترابری حکم شماره ۳ - ۱۲۷ - ۱۴۲ ص ۴۵ (۱۲ ژوئیه ۱۹۸۴ ۲۲/۱۹۸۴) تیرماه (۱۳۶۳)، گولد مارکتینگ اینکورپوریتد و وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲ - ۴۹/۵۰ - ۱۳۶ ص ۲۷۰ - ۲۶ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۴ ۸/تیرماه ۱۳۶۳).

#### ۴ - ادعاهای متقابل

نهایا سه نوع ادعای متقابل ثبت نموده که فریدن در یکی از آنها به‌وی ملحق

شده است . این ادعاهای شامل مطالبه وجوهی است که حسب ادعا نهایا به فریدن پرداخته و نیز شامل مطالبه حق بیمه اجتماعی و حق آموزش و نصف قرارداد است (چهارمین ادعای متقابل که با بت مالیاتهاست ، در حکم جزئی شماره ۳ - ۲۰۲ - ۱۸۶ (۱۹۸۵ آوت ۲۸ / ۱۳۶۴ مردادماه) رد گردید . رجوع شود به صفحه ۴۱ حکم مذبور ) .

#### الف - وجوه پرداختی به فریدن

در لایحه دفاعیه جدآگانهای که نهایا و فریدن مشترکا " به ثبت رسانده اند ، ادعا شده که بعد از عزیمت خواهانها از ایران ، فریدن کارهای ساختمانی را تمام کرد . نهایا و فریدن اظهار می‌دارند که خواهانها با بت خدمات فریدن به وی پولی نپرداختند و مبلغ ۳۸۱،۵۴۰ ریال و بهره آن را بعنوان خسارت مطالبه می‌کنند . نهایا بعدا " مبلغ مورد مطالبه را به ۱۶۰ میلیون ریال افزایش داد ، که ظاهرا " مطابق با وجوهی است که مستقیما " توسط نهایا با بتکاری که انجام داده به فریدن پرداخت شده بود .

نهایا استدلال می‌کند که مواد ۲۲ و ۲۴ شرایط عمومی قراردادکارهای ساختمانی ، آی تی پی اکسپورت را ملزم می‌کند وجوهی را که حسب ادعا نهایا به فریدن پرداخته ، مسترد دارد . مضافا " نهایا اظهار می‌دارد که جهت پرداخت به فریدن ، خود را با دادن ضماننامهای متعهد نموده و در تائید ادعای متقابل خودبه مواد ۶۹۸ و ۶۸۴ قانون مدنی ایران استناد می‌نماید .

خواهانها استدلال می‌کنند که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل را تا حدودی که ادعای یک شرکت خصوصی ایرانی علیه یک شرکت خصوصی آمریکائی را تشکیل می‌دهد ، تدارد و ادعای متقابل مغایر با بیانیه حل و فصل دعاوی است . رجوع شود به بند ۱ ماده دو . خواهانها همچنین به ماهیت ادعای متقابل

ایراد دارند و استدلال می‌کنند که نهایا تعهدی در مورد پرداخت به فریدن نداشته و متذکر می‌شوند که نهایا ثابت نکرده که عملأ " وجهی به فریدن پرداخته باشد.

دیوان معتقد است که ادعای متقابل تنها تا حدودی در صلاحیت دیوان است که به ادعای نهایا مربوط و مبتنی بر تعهدات آمیزی تی پی اکسپورت در مقابل نهایا بوده و مستقیماً از قرارداد کارهای ساختمانی ناشی شود. لکن به عقیده دیوان، ادعای متقابل به دلیل آنکه نتوانسته مبانی حقیقی لازم راجع به صلاحیت را اثبات کند، باید مردود شناخته شود.

خوانندگان اثبات نکرده‌اند که نهایا متعهد بوده و وجهی به فریدن بپردازد و بنا بر این نمی‌توانند تعهد را به قرارداد کارهای ساختمانی نسبت دهند. سلف نهایا، یعنی ن. ه. ش. هیچگونه رابطه قراردادی مستقیمی با فریدن نداشته است. قرارداد کارهای ساختمانی نهایا را مکلف به تضمین تعهدات پیمانکار فرعی نمی‌کند و نهایا هیچ مدرکی دال برآن که به فریدن تضمین داده باشد، ارائه نکرده است.

مقررات قانون مدنی ایران که نهایا جایدان استناد کرده، حتی اگر بپذیریم که قانون ایران قانون حاکم بر قرارداد است، نشان نمی‌دهد که ضمانتی اعم از قراردادی یا قانونی وجود داشته است. ماده ۶۸۴ قانون مدنی "صرف" ضمانت قراردادی را تعریف می‌کند در حالی که ماده ۶۹۸ قید می‌کند که عقد ضمان، تعهد بدکار اصلی را رفع و ضامن را در برابر دایین متعهد می‌کند.

بهمنین نحو، مواد ۲۲ و ۲۴ شرایط عمومی قرارداد، دلیل تعهدی از جانب نهایا برای پرداخت به فریدن نیست. ماده ۲۲ چنین مقرر می‌دارد:

هرگاه پیمانکار در اجرای قسمتی یا تمام موارد مندرج در ماده ۲۱ سهل انگاری یا کوتاهی کند و بر اثر آن خسارتخانه وارد آید

و همچنین از تعهداتی که در آن ماده بعده‌گرفته است خودداری نماید کارفرما حق خواهد داشت آن تعهدات را بجای پیمانکار انجام داده و هزینه‌های مربوطه را از محل مطالبات و یا تضمین های پیمانکار و بحساب او پرداخت کند. در اینصورت هرگونه ادعای پیمانکار نسبت به این قبیل پرداختها و همچنین نسبت به تشخیص کارفرما خواه از نظر اساس تخلف و خواه از نظر مبلغ پرداختی بلا شر خواهد بود.

ذکر این ماده در اینجا بی مناسب است زیرا منحرا " در مورد تعهدات مندرج در ماده ۲۱ مصادق دارد که به حفاظت کارگاهها و تاسیسات در برابر حوا دش مربوط بوده و ارتباطی به اتمام کارها ندارد.

ماده ۲۴ به ن . ه . ش . اختیار می دهد که به اختلافات ناشی از پرداخت بین آی تی پی اکسپورت و پیمانکاران جزء رسیدگی کرده و در صورتی که آی تی پی اکسپورت تصمیم‌وی را رعایت نکند به حساب آی تی پی اکسپورت طلب پیمانکاران جزء را بپردازد. هرچند این شرط می‌تواند توجیه کند که نهاد جا به آی تی پی اکسپورت دستور دهد که وجه پرداختی نهاد جا را مستقیماً " به فریدن انتقال دهد ، لکن نهاد جا مدرکی دال بر آنکه روش مصرح در ماده ۲۴ را اعمال کرده یا واقعاً " آن روش قابل اعمال بوده ، ارائه نداده است . هیچ مدرکی در موردو وجود اختلاف مالی بین آی تی پی اکسپورت و فریدن وجود ندارد و هیچ مدرکی حاکی از رسیدگی نهاد جا به چنین اختلافی در دست نیست . و مدرکی نیز وجود ندارد که آی تی پی اکسپورت چنین تصمیمی را رعایت نکرده باشد و با لاخره هیچ مدرکی مبنی بر آنکه نهاد جا واقعاً " وجهی به فریدن پرداخته، وجود ندارد.

اینکه مشخص شد نهاد جا از عده اثبات این مطلب که قانوناً " متعهد به پرداخت وجهی به فریدن بوده بر نیا مده و اثبات نیز ثکرده که در واقع وجهی به فریدن پرداخته ، دیوان مقرر می‌نماید که ادعای متقابل مربوط به فریدن رد گردد .

### ب - حق بیمه اجتماعی و حق آموزش

در ادعای متقابل نهادا ، بنحو مندرج در دفاعیه وی ، که از کلیدجهات دیگر به قرارداد را پکن ارتباط دارد، اشعار گردیده که "خوانده با بت حق بیمه اجتماعی مبلغ ۱۰،۶۱۳،۰۱۲/۷۵ دلار بدھکار است" هیچ توضیحی درموردما هیت یا مبنای این بدھی داده نشده . متعاقبا "نهادا در لایحه مورخ دوم ژانویه ۱۹۸۵ (۱۲ دیماه ۱۳۶۳) خود مبلغ این ادعای متقابل را به ۲۰،۲۰۲،۲۰۸ دلار افزایش داده و آنرا به قرارداد کارهای ساختمانی ربط داد .

نهادا در لایحه تکمیلی ای که در ۷ ژانویه ۱۹۸۵ (۱۷ دیماه ۱۳۶۳) ثبت شده ، ادعاهای متقابله به مبلغ ۱۲۴،۱۹۱،۱۹۱ ریال با بت حق بیمه اجتماعی، غیراز جرایم و ۷۳۷،۳۹۳ ریال با بت حق آموزش ، غیر از جرایم آن با ذکر جزئیات ارقام ، طرح و استدلال میکند که ماده ۲۳ شرایط عمومی و ماده ۲۴ شرایط ویژه قرارداد مشخصا "قید میکند که آی تی پی اکسپورت بايد حق بیمه های اجتماعی را بپردازد .

خواهانها به دو دلیل صلاحیتی به ادعای متقابل ایراد دارند. اولا" ،خواهانها استدلال میکنند کهادعا یک ادعای مستقیم غیرموجھی است که توسط یک سازمان ایرانی علیه یک تبعه ایالات متحده مطرح شده است . ثانیا" ، خواهانها اظهار می دارند که ادعای متقابل ، با قرارداد مورد ادعا ارتباط ندارد، زیرا قرارداد کارهای ساختمانی نهادا را متعهد نمیکند که دیون خواهانها بابت حق بیمه اجتماعی را بپردازد . خواهانها همچنین اظهار می دارند که یقینا "تمامی حق بیمه اجتماعی و حق آموزش مربوط را پرداخته اند .

بنظر دیوان ادعاهای متقابل با بت حق بیمه اجتماعی و حق آموزش در صلاحیت دیوان نیست زیرا طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی هیچک از این دو ادعا "ناشی از همان قرارداد، معا مله یا رویدادی که موضوع ادعا را تشکیل دهد" نیست.

نهادا برای ربط دادن ادعای متقابل خود به قرارداد کارهای ساختمانی به

ماده ۲۳ شرایط عمومی قرارداد استناد می‌کند، لکن استناد وی غیرموجه است.

ماده ۲۳ چنین قید می‌کند:

پیمانکار تائید می‌کند که از جمیع قوانین و مقررات مربوط بکار و بیمه‌های اجتماعی و حفاظت فنی و همچنین قوانین مربوط به مالیاتها و عوارض کا ملا" مطلع بوده و متعهداست همه آنها را رعایت کند. در هر حال مسئولیت عدم اجرای قوانین و مقررات فوق الذکر متوجه کارفرما نخواهد بود.

ماده ۲۴ به جای آنکه نهایا را متعهد به پرداخت حق بیمه اجتماعی و حق آموزش به آی تی پی اکسپورت کند، تعهدی که احتمالاً می‌تواند موجد ادعای متقابل قابل طرحی در دیوان شود، دقیقاً "اشر معکوس داشته و تصریح می‌کند که نهایا طبق قرارداد چنین تعهدی ندارد. در واقع حتی ادعا نشده که نهایا باقعاً "ملزم به پرداخت هیچیک از این وجه بوده باشد.

به همین نحو، ماده ۲۴ شرایط اختصاصی قرارداد هیچ تعهد مشخصی در مورد مالیات و یا حق بیمه تعیین نمی‌کند. ماده ۲۴ چنین قید می‌کند:

مقررات این قرارداد تابع قوانین ایران بوده و سمواج آن تعبیر و تفسیر می‌شود و هرگونه مالیات و عوارض و هزینه‌های بیمه و بیمه‌های اجتماعی و سایر هزینه‌های مربوط به این قرارداد و کارکنان شرکت به عهده آی تی پی می‌باشد و آن قسمتاز این مبالغ که باستی بوسیله کارفرما کسر شود توسط نیروی هوایی شاهنشاهی از مطالبات آی تی پی کسر و به مراجع مربوطه پرداخت و مدارک لازم به آی تی پی داده خواهد شد.

نظر به آنکه ماده ۲۴، میزان کسور مالیاتی و حق بیمه احتمالی قابل برداشت را تعیین نمی‌کند، ادعا با بت مبالغی که برداشت نشده تیز به همین نحو خارج از صلاحیت دیوان خواهد بود. لکن دیوان متذکر می‌گردد که قبل از در مبالغ

مورد مطالبه خواهانها که در فوق مورده حکم واقع شد، وجودی که معمولاً "با بت حق بیمه اجتماعی و حق آموزش توسط سازمانهای ایرانی کسر شده، منظور گردیده است.

در نتیجه، چنانچه آی تی پی اکسپورت با بت پرداخت حق بیمه و مالیاتها، تعهدی هم می داشته، آن تعهد از قرارداد ناشی نشده، بلکه مستقلاً از مقررات ذیربُط قوانین داخلی ایران ناشی شده است. بدین ترتیب، تعهدی که ادعای متقابل مبتنی بر آن است، از قرارداد کارهای ساختمانی یا هر قرارداد، معامله یا رویداد دیگری که با ادعا ارتباط داشته باشد ناشی نشده است. رجوع شود به تی سی اس بی اینکورپوریتد و ایران حکم شماره ۱۴۰-۲۵-۱۱۴ ع.ص. ۲۴-۲۴ (۱۶ سپتامبر ۱۹۸۴ / ۲۵ اسفندماه ۱۳۶۲)، سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ ص.ع. ۴۱-۴۰ (۲۲ ژوئن ۱۹۸۵/۶ تیرماه ۱۳۶۴)، کوئستک اینکورپوریتد و وزارت دفاع ملی، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ ص.ع. ۴۰-۳۷ (۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵/سوم مهرماه ۱۳۶۴)، جنرال داینا میکس تلفون سیستمز سنتر اینکورپوریتدو جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۲۸۵-۱۹۲ ص. ۲۵ (۴ اکتبر ۱۹۸۵ مهرماه ۱۳۶۴)، مقایسه شود با بهرینگ اینترنشنال اینکورپوریتد و نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران، قرار موقت و اعدادی شماره ۳-۳۸۲ ص. ۴۳ (۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ ۳۱/۱۹۸۵ خردادماه ۱۳۶۴) . براین اساس دیوان ادعای متقابل با بت حق بیمه اجتماعی و حق آموزش را به دلیل فقد صلاحیت مردود می شناسد. با توجه به این نظر، دیوان نیازی نمی بیند که به ایراد دیگری که خواهان راجع به صلاحیت رسیدگی به این ادعای متقابل مطرح کرده، بپردازد.

### ج - ادعاهای متقابل مربوط به نقض قرارداد

نهایاً طی لایحه‌ای که فقط ۲۲ روز قبل از جلسه استماع یعنی در دوم ژانویه ۱۹۸۵

(۱۲ دیماه ۱۳۶۳) ثبت نمود ، برای اولین بار چند ادعای متقابل با بت خساراتی که حسب ادعا در اثر نقص قرارداد کارهای ساختمانی از ناحیه آی تی پی اکسپورت دیده ، مطرح کرد . این ادعا های متقابل به موقع ثبت نشده ، و توضیحی نیز در مورد دلیل تأخیر آنها ارائه نشده است . دیوان طبق بند ۳ ماده ۱۹ قواعد خود آنها را رد می کند .

حتی اگر این ادعا های متقابل به موقع نیز ثبت شده بود ، به تشخیص دیوان به سبب فقد دلیل می باشد . نهایا ادعای متقابله به مبلغ ۲،۲۱۴،۲۲۹ دلار به خاطر تأخیر در تکمیل کارهای ساختمانی مطرح کرده است . ولی هیچگونه مدرکی دائر بر آن که آن تأخیرها می توانسته متوجه آی تی پی اکسپورت باشد یا در هنگام حدوث تأخیر شکایتی کرده باشد ، ارائه نداده است . مضافاً "نهایا در ورود خسارت را اثبات نکرده است . ضمائم لایحه که روش محاسبه را نشان می دهد ، برخلاف مقررات دیوان ، به انگلیسی ترجمه نشده و توضیح دیگری هم داده نشده است . به همین نحو ، ادعای ۲ میلیون دلار خسارتی که نهایا حسب ادعا درنتیجه سوختن ترانسفورماتورها یا عیوب و نقاچی دیگر متحمل شده ، فاقد مدرکی دال برای مشکلات مذبور متوجه آی تی پی اکسپورت بوده ، می باشد .

نهایا در آخرین ادعای متقابل خود در این باره ، استرداد کلیه تعديل قیمت های پرداختی به آی تی پی اکسپورت را (یعنی وجود پرداختی با بت افزایش قیمت ها ) با استناد به اینکه شرکت یاد شده مسئول تأخیرها بوده مطالبه می کند . نهایا استدلال می کند که آی تی پی اکسپورت صریحاً "تعهد کرده بود درصورتی که معلوم شود هرگونه تأخیری ناشی از عدم ایفای تعهد شرکت بوده ، آن مبالغ را مسترد دارد . لکن نهایا مدرکی دال بر آن که هیچ یک از تأخیرات واقعاً "متوجه آی تی پی اکسپورت بوده ، ارائه نداده است . مضافاً "تعهدی که نهایا بدان استناد می کند ، در قسمت ذیربیط ، تنها قید می کند : "درصورتی که بعد از بازرسی از پیشرفت کار معلوم شود که پیمانکار

(آی تی پی اکسپورت) بابت پرداخت جریمه یا اضافه پرداخت مسئول بود، شرکت آی تی پی تعهد می کند این اضافه پرداختی را فوراً "مسترد دارد ..." در این تعهد هیچ اشاره‌ای به تعدیل قیمت یا افزایش قیمت نشده و هیچ تعهد جدیدی برای آی تی پی اکسپورت که طبق قرارداد کارهای ساختمانی مسئول پرداخت جرایم یا اضافه پرداخت است، ایجاد نمی کند.

## ۵ - نتیجه‌گیری و تبدیل نرخ ارز

مجموع مبلغ حکم صادره علیه نهاده در مورد قرارداد کارهای ساختمانی ۱۷۴،۱۹۵،۳۹۰ ریال است.<sup>(۱۴)</sup> تعهد موضوع این حکم در دسما مبر ۱۹۷۸ که از آن پس، ادامه اجرای قرارداد غیر ممکن گردید، ایجاد شده است. طبق نظر دیوان نرخ صحیحی که با ید در تبدیل مبلغ حکم به دلار آمریکا بکار رود، نرخ رایج بازار ارز در آن تاریخ است که هر International Financial Statistics ۷۰/۴۷۵ ریال معادل یک دلار آمریکا بود.

(آمار مالی بین المللی) ضمیمه مربوط به نرخ ارزها (صندوق بین المللی پول ۱۹۸۱)، بر این اساس، دیوان در مورد ادعای قرارداد کارهای ساختمانی حکمی به مبلغ ۲،۴۷۱،۷۳۳ دلار به نفع خواهانها و علیه نهاده صادر می‌نماید.

## ب - ادعاهای اعتبارات استدادی مربوط به قرارداد کارهای ساختمانی و ادعاهای متقابل

خواهانها علاوه بر ادعاهای مستقیم خود بموجب قرارداد کارهای ساختمانی،

<sup>(۱۴)</sup> که به این ترتیب محاسبه شده: ۱،۷۶۷،۳۸۰ + ۱۱۵،۱۸۱،۶۹۶ + ۲۶،۸۸۷،۰۴۳ ریال (بابت خدمات انجام شده و صورتحساب داده شده) + ۳۰،۲۵۹،۲۷۱ ریال (بابت کارهای اضافی) + ۳۰ ریال (سپرده‌های حسن انجام کار).

ابطال اعتبار اسنادی شماره ۱۳۵۷۶ - اس را مطالبه می‌کنند که فرست نشان  
بنک آو بوستون ("اف ان بی بی") از طرف آی تی پی اکسپورت جهت تامین  
وجه ضمانت نامه حسن انجام کار در برابر ن . ه . ش . ، به نفع بانک ایرانیان  
صادر کرده و همچنین ابطال تمامی ضمانت نامه های بانکی و اعتبارات اسنادی  
اتکائی دیگری را که در رابطه با قرارداد کارهای ساختمانی صادر شده است،  
درخواست می‌نمایند. خواهانها همچنین باز پرداخت حق الوكاله ها و هزینه های جمعاً  
به مبلغ ۳۰,۰۰۰ دلار آمریکا که در تحقیل قرار موقت از دادگاه فدرال ایالات  
متتحده به منظور مماثلت از پرداخت دو اعتبار نامه اسنادی مذکور متحمل شده اند را  
بعلاوه بیرون از تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) مطالبه می‌کنند.  
خواهانها هیچیک از بانکهای مربوطه را بعنوان خوانده نام نمی‌برند، هرچند  
که بانک تجارت، جانشین بانک ایرانیان، در جریان رسیدگی به این پرونده  
با ثبت دفاعیات و ادعاهای متقابلی که در حکم جزئی شماره ۳ - ۲۰۲ - ۱۸۶  
رد شد، کوشش کرد وارد دعوی شود.

طبق ماده ۴۴ شرایط عمومی قرارداد کارهای ساختمانی، آی تی پی اکسپورت  
می‌باشد یک ضمانت نامه بانکی به میزان ۵ درصد مبلغ اولیه قرارداد بعنوان  
ضمانت نامه "انجام تعهدات ناشی از قرارداد" در اختیار نهاده جا قرار دهد. این  
ضمانت نامه بانکی را بانک ایرانیان تحت شماره ۶/۲۰۴ تامین نمود که متقابلاً  
با اعتبار اسنادی اتکائی دیگری به شماره (۱۳۵۷۶ - اس) صادره توسط فرست نشان  
بنک آو بوستون به نفع بانک ایرانیان به همان مبلغ تضمین گردید. در سپتامبر  
۱۹۷۸ مبلغ اعتبار اسنادی از مبلغ اولیه آن یعنی ۶۹۱,۷۸۸ دلار (۴۶,۰۱۷,۷۴۱)  
ریال (متناوباً) بابت تحويل موقت شش محل از نه محل ساختمان، طبق مفاد  
ماده ۳۷، به ۹۲۳,۱۵,۷۵۶ ریال کا هشیافت. ظاهراً بعد از آن تاریخ  
اعتبار نامه به این مبلغ مفتوح مانده است.

طبق ماده ۳۶ شرایط عمومی، یک اعتبار نامه اتکائی دومی نیز به شماره

( ۱۳۵۷۵ - اس ) به منظور تامین ضمانتنامه بانکی دوم ( به شماره ۶/۲۱۶ ) صادر شد . قرار بود این ضمانتنامه جهت تامین وجوهی باشد که نهاد خواهانها پیش پیش می پرداخت و طبق مفاد ماده ۳۶ قرار بود به تدریج که نهاد خارماه مبالغی با بابت قرارداد کارهای ساختمانی به خواهانها می پرداخت ، قسمتی از مبالغ بدهی با بابت پیش پرداختها از آن کسر شود . ظاهرا " تا اواخر سال ۱۹۷۸ مبلغ ضمانتنامه به ۳۸،۹۵۹،۱۷۰ ریال تقلیل یافته بود ولی از آن ببعد ، از ضمانتنامه و متناسبآ " از اعتبارات استادی رقمی کسر شد .

خواهانها همچنین ادعا می کنند که در ماه مه ۱۹۸۰ بانک تجارت مانده اعتبار استادی شماره ۱۳۵۷۶ - اس را مطالبه کرد و خواهانها چنین تصور می کنند که دلیل این مطالبه ظاهرا " این بود ، که بانک تجارت مبلغ ۱۵،۷۵۶،۹۲۳ ریال با بابت ضمانتنامه مربوط ، ( ۶/۲۰۴ ) به نهاد خواهانها پرداخته بود . خواهانها همچنین ادعا می کنند که نهاد خواهانها ظاهرا " مبلغ ۳۸،۹۵۹،۱۷۰ ریال دیگر از بانک تجارت با بابت ضمانتنامه شماره ۶/۲۱۶ دریافت کرده ، زیرا بانک تجارت اعتبار استادی اسکائی مربوطه ( ۱۳۵۷۵ - اس ) را مطالبه نموده است . خواهانها ظاهرا " از طریق اقدام قضائی در ایالات متحده مانع هردو مورد مطالبه شده اند .

بانک تجارت اظهار می دارد که نیروی هوایی تقاضای تمدید ضمانتنامه هارا کرد و بنابراین وی از فرستنشال بنک آ و بوستون تقاضا کردا اعتبار استادی مربوطه نیز تمدید گردد . وقتی فرستنشال بنک ظاهرا " از تمدید امتناع کرد ، بانک تجارت پرداخت وجه آن را مطالبه نمود . حسب ادعا ، فرستنشال بنک پاسخ داد که وجوده اعتبار نامه مذکور طبق دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ رئیس جمهوری ایالات متحده ( ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ ۲۲/۱۹۷۹ آبان ماه ۱۳۵۸ ) مبنی بر مسدود نمودن دارائیهای ایران در حوزه قضائی ایالات متحده مسدود شده است . ( ۱۵ )

---

( ۱۵ ) خواهانها مدارک دادگاه را تسلیم نموده اند که بمحبوب آن ، دادگاه بخش ایالات متحده ، ناحیه ماساچوست در حوالی ۱۵ مه ۱۹۸۰ ( ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ ) قرار توقیف مؤقتی جهت ممانعت از وصول وجه اعتبار استادی

در مورد اعتبار استادی شماره ۱۳۵۷۶ - اس مربوط به ضمانت نامه حسن انجام کار ، خواهانها اظهار می‌دارند با وجود آنکه خواهانها اساسا " کارخود را تکمیل کرده بودند، نهایا من غیرحق از ابطال اعتبارنا مه خودداری کرده است . نهایا استدلال می‌کنند که حق دارد ما بقی ارزش اعتبار استادی را ، تا تکمیل و تحويل قطعی نه محل ساختمان که طبق اظهار وی صورت نگرفته نگهداشد . وی همچنین ادعا می‌کنند که تقاضی در کار یافت شده بود و بنابراین حق داشته ضمانت نامه حسن انجام کار را نگهداشت.

طرفین در مورد اعتبار استادی شماره ۱۳۵۷۵ - اس مربوط به پیش‌پرداختها هیچگونه استدلال خاصی ارائه نکرده‌اند .

حقوق و تعهدات طرفین نسبت به این ضمانت نامه‌ها و اعتبارات استادی عینا " مانند حقوق و تعهداتی است که در مورد ضمانت نامه بانکی حسن انجام کار در فوق موردنیت قرار گرفت . نظر به اینکه ایران ادامه اجرای فرارداد کارهای ساختمانی را غیرممکن ساخته ، کلیه ضمانت نامه‌های بانکی و اعتبارات استادی مربوط به فرارداد منتفي و بلا شرند . بنابراین ، دیوان مقرر می‌نماید که نهایا هرگونه مطالبه پرداخت آن ضمانت نامه‌ها را مسترد داشته و از مطالبه مجدد آنها خودداری کند .

عنصر باقیمانده ادعا ، یعنی مطالبه ۳۰،۰۰۰ دلار بابت حق الوكاله و هزینه‌ها ، سوای این مسئله که آیا بموجب اصول حقوقی قابل اعمال ، مطالبه‌این مبالغ صحیح است یا خیر ، به حد کافی مستند نبوده و بنابراین مردود است .

---

دبای مزیرنویس شماره ۱۵

۱۳۵۷۶ - اس توسط بانک ایرانیان صادر کرده است . دادگاه در ۱۶ مه ۱۹۸۰ (۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) قرار موقتی به همان مضمون صادر کرد که هنوز به اعتبار خود باقی است .

## ج - ادعای سلب مالکیت

### ۱ - ادعا

سومین ادعائی که دیوان حق تصمیم خود را طی حکم جزئی محفوظ داشت، ادعای سلب مالکیت از ملک خواهانهاست که علیه دولت ایران طرح شده است. همانطور که در حکم جزئی متذکر گردیده، خواهانها ظاہرا "ادعا میکنند که در کلیه اوقات ذیربسط یا مالک منافع و یا مالک قانونی ساختمانی مرکب از هشت دستگاه آپارتمان واقع در تهران بوده‌اند. خواهانها بدوا" ادعای خود را برآساس قصور ادعائی دولتشاهنشاهی ایران و جانشین آن، یعنی دولت فعلی ایران در حفظ و حمایت از ساختمان و در نتیجه، محروم کردن خواهانها از استفاده و منافع ساختمان حتی قبل از عزیمت آنان در دسامبر ۱۹۷۸ زایران، قرار داده‌اند. خواهانها در آخرین لایحه خود درباره این موضوع و نیز در لایحه جوابیه و معارضی که در ۲۱ ژانویه ۱۹۸۵ (۳۰ تیرماه ۱۳۶۴) ثبت نمودند، اظهار داشتند که بانک تجارت با اقدامات خود و با "تصویب رسمی و شرکت فعال دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق دادستان انقلاب و نیز بوسیله سازمان ثبت املاک و اسناد" ساختمان را تصاحب کرده است.

خواهانها اظهار می‌دارند که ملک مزبور که در مه ۱۹۷۸ طبق برآورده‌یک مهندس، ۴۸ میلیون ریال ارزش داشته در مقابل مبلغی معادل ۹۱۵،۲۱۶ دلار از دسامبر ۱۹۷۸ در رهن بانک ایرانیان بوده است. در بدو امر خواهانها قید کردن که چنانچه متعهد به تصفیه وام باشد مبلغ ۴۸ میلیون ریال (۳۰،۶۸۲ دلار) با بت ارزش ساختمان در دسامبر ۱۹۷۸ بعلاوه بهره از تاریخ مزبور، و چنانچه تعهدی نسبت به وام نداشته باشد، مبلغ ۳۸۸،۴۶۵ دلار با بت ارزش خالص عین مرهونه بعلاوه بهره آن، مطالبه می‌کنند. لکن خواهانها در لایحه معارض خود ادعا کرده‌اند که ساختمان در حال حاضر طبق "برآورده‌یک" که بصورت تخمینی " صورت گرفته بیش از ۱۸۵ میلیون ریال قیمت دارد.

## ۲- تابعیت ادعا

در آغاز دیوان باید تعیین کند که آیا این ادعا ، ادعای یک تبعه ایالات متحده به مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی هست یا خیر.

مدارک نشان می‌دهد که در کلیه اوقات ذیربسط تا قبل از دسامبر ۱۹۷۸ ، ملک مزبور قانوناً متعلق به میچل ان رابرتس ، یک شرکت سهامی خاص ایرانی بوده است . بانک تجارت ، جانشین بانک ایرانیان ، که مرتهن ملک مزبور است، ظاهراً " بعنوان تماینده ایران نیز، به اختیار خواهانها جهت طرح ادعا از طرف میچل ان رابرتس و همچنین به صلاحیت دیوان برای رسیدگی به ادعای یک شرکت ایرانی ، ایراد گرفته است .

خواهانها دو سوگندناهه از آقای الکساندر پاتریک تسلیم کرده‌اند ، گواه براینکه نامبرده تا دسامبر ۱۹۷۸ مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره میچل ان رابرتس و مالک قانونی اکثریت سهام میچل ان رابرتس بوده که آن شرکت " بطور امامی " از طرف خواهان آی تی پی در دست داشته است . نامبرده همچنین گواهی می‌دهد که میچل ان رابرتس مالک قانونی منحصر به‌فرد ملک مورد اختلاف بود که تنها در مقابل مبلغ تقریبی ۲۱۶،۰۰۰ دلار (اصل مبلغ) در رهن بانک ایرانیان (بانک تجارت‌کنونی) قرارداد است . مضافاً " آقای پاتریک گواهی می‌دهد که آی تی پی سی مالک منافع کلیه سهام میچل ان رابرتس بوده، و تقاضای تشکیل آن شرکت را کرده و بودجه لازم برای خرید ساختمان دفتر مرکزی شرکت آی تی پی در تهران را تامین کرده و ضمناً " اینکه نامبرده مالکیت قانونی ۸۹ سهم خود در میچل ان رابرتس را در مقابل عوض در دسامبر ۱۹۷۸ به آی تی پی سی انتقال داد .<sup>(۱۶)</sup> بعنوان مدرک منافع

---

(۱۶) آقای پاتریک همچنین اظهار می‌دارد که همسر نامبرده یک درصد سهام را در دست داشت و وی نیز منافع مالکانه خود را به خواهان آی تی پی سی واگذار کرد .

مالکانه خود، خواهانها نسخ قرارداد انتقال ۸۹ سهم به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۳ آذر ماه ۱۳۵۲) و صورتحسابی به تاریخ ۱۱ مه ۱۹۷۶ (۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۵) که شرکت ایران آمریکن اینترنشنال اینشورنس کا مپنی با بیت حق بیمه ساختمان و اثاث و لوازم آن در سال ۷۷-۱۹۷۶ برای "آئی تی پی کورپوریشن" ارسال داشته بود را در دیوان ثبت نموده است.

مالکیت منافع خواهانها را دو سوگندنا مه از ذیحساب سابق خواهانها، آقای فیلیپ ام. لایتزینگر بیشتر اثبات و روشن می‌کند. نامبرده در سوگندنا مه اول گواهی می‌دهد که "آئی تی پی پول خرید ساختمان و تشکیل میچل اند رابرتس را که سند مالکیت ملک به نامش بود، تا مین نمود و این امر تمام‌آماده" طبق توصیه وکیل ایرانی ما صورت گرفت". آقای لایتزینگر همچنین گواهی داد که آقای پاتریک قانوناً "مالک ۸۹ سهم از ۱۰۰ سهم میچل اند رابرتس بود.

سوگندنا مه دوم آقای لایتزینگر گواه براین است که وقتی ساختمان در رهن گذارده شد (که قبل از مورد این دعوی نیز یکبار به رهن گذارده شده بود)

و امهائی که از طریق ارتها ان اخذ می‌گردید به آئی تی پی منتقل می‌شد... و آئی تی پی در کلیه اوقات تعهد رهن ساختمان واقع در تهران را پذیرفته و آن را در حسابهای خود بعنوان بدھی ثبت کرده بود. ساختمان نیز بعنوان دارائی آئی تی پی در دفاتر منعکس شده و هم‌دارائی و هم‌تعهدات آئی تی پی در ترازنی مالی مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۵ دیماه ۱۳۵۲) آن شرکت که توسط تووش راس اند کا مپنی حساب بررسی شده گزارش شده است.

توosh راس اند کا مپنی طی شرحی که دونفر از شرکای آن به قید سوگندنا مفاهی کرده اند تائید می‌کند که

آئی تی پی سی از نظر حسابداری مالی، مالک منافع بک ساختمان دفتری در تهران بود...

این مدارک با شرحی که آقای باکست مدیر تصفیه هردوی خواهانها به قید سوگند اطهار نمود مبنی بر آنکه "... میچل اند رابرتس ... شرکت فرعی و متعلق

به آی تی پی می باشد". و با شرحی که آقای جارویس به قید سوگند در مورد منشاء میچل اندرابرترز در زیر اظهار داشته تائید می گردد:

شرکت فرعی دیگری که متعلق به آی تی پی بود میچل اندرابرترز، یک شرکت سها می خاص ایرانی است. از نظر قوانین ایران درباره مالکیت املاک در ایران، اطلاع یافتم که لازم بودیک شرکت ایرانی که عنوان مالکیت ساختمان شرکت ما را در تهران داشته باشد تشکیل دهیم. بنابراین، نایب رئیس آی تی پی در ایران، یعنی آقای الکساندر پاتریک ... در سال ۱۹۷۵ یا ۱۹۷۶ به درخواست آی تی پی، میچل اندرابرترز را تشکیل داد و بطور امامی اکثریت سهام آنرا از طرف آی تی پی در دست گرفت.

بعلاوه، نامه رئیس وقت آی تی پی سی به آقای پاتریک در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۷۶ (۲۴ خرداد ماه ۱۳۵۵) موید این است که آی تی پی سی مالک ملک بوده و به آقای پاتریک اجازه اخذوا مرنه را داده است.

تابعیت ایالات متحده آقای پاتریک با اظهارات به قید سوگند وی مبتنی بر آن که "درا یالات متحده آمریکا متولد شده و در تمام عمر خود تبعه آمریکا بوده" اثبات و با تسلیم گواهی تولد وی که محل تولد را اسپرینگ فیلد، اوها یو در ایالات متحده قید کرده و فتوکپی گذرنامه های آمریکائی وی که از ۲۷ فوریه ۱۹۷۳ تا ۲۶ فوریه ۱۹۷۸ (۷ اسفندماه ۱۳۵۶) و از ۱۴ دسامبر ۱۹۸۲ تا ۱۳ دسامبر ۱۹۸۷ (۲۲ اسفندماه ۱۳۴۶) اعتبار داشته تائید می شود. شرحی که آقای جارویس به قید سوگند نوشته مبني بر آنکه "آقای الکساندر پاتریک ... را بعنوان یک تبعه ایالات متحده می شناسم" این مطلب را تائید می کند. علاوه بر آن، آقای جان آرویتفورد، رئیس سابق آی تی پی سی، "درجسه استماع گواهی داد که آقای پاتریک مستمرا" تبعه ایالات متحده بوده است.

بانک تجارت در روز این ادعا اظهار می دارد که بمحض قوانین ایران مالک واقعی ساختمان کسی است که سند مالکیت ملک را در دست دارد و سند مالکیت ساختمان موردا خلاف بنام میچل اندرابرترز بوده نه خواهانها.

دیوان بر مبنای سوگندنا مهها ، شهادت‌ها و مدارک تسلیمی بلامعارض خواهانها ، معتقد است که در کلیه اوقات ذیربسط قبل از ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۳ آذر ۱۳۵۷) خواهانها کلا" مالک منافع می‌جل‌اند رابرترز و از آن طریق، مالک ملک مورد اختلاف بودند و به حکایت مدارک موجود ، می‌جل‌اند رابرترز دارائی یا تعهد دیگری غیر از رهن مزبور نداشته و می‌جل‌اند رابرترز صفا" به منظور تملک قانونی ساختمان ایجاد شده بود. پس از آن تاریخ ، خواهانها همچنین ما لکیت قانونی حداقل ۸۹ سهم از ۱۰۰ سهم می‌جل‌اند رابرترز را حفظ کردند . دیوان همچنین بر این نظر است که آقای پاتریک در کلیه اوقات ذیربسط تبعه ایالات متحده بوده است .

با درنظر گرفتن این واقعیات، دیوان نظر می‌دهد که با توجه به شرایط خاص این پرونده خواهانها حق دارند ادعای ملک خود را در دیوان مطرح کنند و می‌جل‌اند رابرترز بعنوان یک شرکت ایرانی حق ندارد طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی راسا" ادعائی طرح نماید. (۱۷) معهذا ، بند ۲ ماده هفت بیانیه در موارد زیر اجازه طرح ادعاهای اتباع ایالات متحده یا ایران را داده است :

... ادعاهایی که بطور غیرمستقیم ، از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علاقه‌مالی ، در مورد اشخاص حقوقی ، در مالکیت این اشخاص بوده‌اند ، مشروط براینکه منافع مالکیت چنین اتباعی ، مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط براینکه شرکت و یا شخص حقوقی خود در جهارچوب این بیانیه حق اقامه دعوا نداشته باشد .

---

(۱۷) این نتیجه‌گیری هیچگونه تاثیری در تصمیم دیوان عمومی راجع به یکی از موضوعات مطرح در پرونده الف - ۲۲ مبنی براینکه آیا یک شرکت آمریکائی علی القاعدۀ حق دارد ادعای یک سازمان ایرانی را طبق بند ۲ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی بعنوان ادعای غیرمستقیم خود در دیوان مطرح نماید ، یا خیر ، نخواهد داشت .

خواهانها ، هم به استناد ۱۰۰ درصد منافع مالکانه خود در میچل اندرابرتز قبل از ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۳ آذرماه ۱۳۵۷) و از آن تاریخ، وهم به اتکاء مالکیت قانونی حداقل ۸۹ درصد از سهام سرمایه‌ای آن شرکت از آن تاریخ<sup>(۱۸)</sup> بعد، به مفهوم این بند، بطور غیرمستقیم مالکادعائی هستند که در اینجا اقامه می‌کنند.<sup>(۱۹)</sup>

## ۲ - شرح واقعیات و اظهارات طرفین

در مورد ماهیت دعوی دیوان ملاحظه کردند که توضیح واقعیات و تئوری‌های حقوقی مطروحة توسط خواهانها طی جریان رسیدگی به پرونده تغییریافته است. تئوری اولیه آنان در مورد مسئولیت، تئوری مصادره بالفعل بود. خواهانها استدلال می‌کردند که دولت شاهنشاهی ایران، با قصور در محافظت ساختمان و ساکنان آن قبل از دسامبر ۱۹۷۸، ساختمان را غیرقابل سکونت کرده بود. خواهانها همچنین ادعا کردند که متعاقباً "ساختمان در اشغال نیروی‌های نظامی ایران در آمد.

لکن، مدارک خود خواهانها، ناقض این ادعا هاست. تکس مورخ ۴ مارس ۱۹۷۹ (۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷) آقای فرامرز عطار، وکیل خواهانها بعد از دسامبر ۱۹۷۸ در ایران، حاکی از آن است که آقای عطار در آن تاریخ ترتیب تعمیرات و محافظت ساختمان را می‌داده و با مقامات بانک

(۱۸) از آنجاکه دیوان به این نتیجه رسیده است که بعلت مالکیت خواهان نسبت به مددوصدمنافع، ملاحیت رسیدگی به ادعای دارد، دیوان در مرور دادین که آیا ادعاهای غیرمستقیم اتباع ایالات متحده که متنضم مالکیت کمتر از ۱۰۰ درصد باشد، محدودبه میزان مالکیت آنها می‌شود یا خیر، تصمیمی نمی‌گیرد. دیمز اند مور و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۵۴-۳۵-۹۷، ص ۲۰ و ۳۲-۳۱ (۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ - ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲).

(۱۹) استدلال بانک تجارت در مورد مالکیت ساختمان بموجب قوانین ایران، کا ملا" با ملاحظات ملاحیتی مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی بی ارتباط است.

برای فک رهن ساختمان و نیز با همسایگان محل ، برای آن که کاری به ساختمان نداشته باشد ملاقات می کرده است . این اقدامات وکیل خواهانها به روشنی معلوم می کند که در مارس ۱۹۷۹، خواهانها هنوز بر ساختمان اعمال سلط و کنترل می کردند .

لکن بحثی نیست که متعاقباً "کنترل ساختمان به دست بانک تجارت افتاد . بانک تجارت بنوبه خود ، توضیحات متفاوتی در مورد چگونگی انتقال کنترل و متعاقباً" انتقال مالکیت قانونی ملک می دهد . بانک تجارت در لایحه دفا عیه خودا شاره می کند که قرار بود حداقل در ابتدا انتقال ملک طبق یک قرارداد فروش که در مورد آن ، با آقای عطار ، وکیل میچل اند رابرتس مذاکره می شد ، صورت گیرد . دفا عیه در مورد این نکته حاوی توضیحات زیر است :

مدت بازپرداخت وام مذکور یکسال از تاریخ ۱۳۵۲/۲/۱۱ تا تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۱ بوده است ولی وام گیرنده مذکور در سراسید مقرر نسبت به بازپرداخت وام اقدام ننمود .

چون شرکت قادر به بازپرداخت وام نبود ، علیهذا متعاقب مذاکراتی که بین بانک و نماینده شرکت بعمل آمد وکیل ثابت الوکاله شرکت بانک پیشنهاد کرد که شرکت حاضر است ساختمان را بمبلغ ۲۱،۴۰۰،۰۰۰ ریال ببانک بفروشد و از بانک درخواست نمود مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بطور علی الحساب جهت تسویه بدھیها با بت آب و برق و تلفن و غیره پرداخت گردد . (ضمیمه شماره ۲۵ و ۳) چون بانک مایل به تملیک ملک نبود ، علیهذا ، بانک بمجرد وصول پیشنهاد شرکت مراتب را با طلاع کارمندان بانک رسانید و از دا وطلبان خرید خواست پیشنهاد خود را تقدیم کنند و در ضمن جون آپارتمانها خالی بوده ، لذا در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۹ ملک مذکور جهت حفاظت بمحض صورت جلسه ای بهمان تاریخ از طرف نماینده مالک بنمایندگان بانک تحویل داده شد . در این موقع بانک و وکیل ثابت الوکاله شرکت توافق کردند قبل از صدور اجرائیه آپارتمان مسکونی به کارکنان فروخته شود .

بعنوان مدرک قرارداد فروش ، بانک تجارت نسخه‌ای از نامه مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ (اول مهرماه ۱۳۵۸) آقای عطار به بانک ایرانیان را که تنها به فارسی است ، تسلیم کرده که طی آن آقای عطار بعنوان "نماینده رسمی شرکت میچل اند رابرتس" اشعار می‌دارد: "... بدینوسیله موافقت خود را با مبلغ ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ رویال با بت بهای ساختمان شرکت میچل اند رابرتس ..." اعلام ... می‌دارد..." لکن در کنار امضاء نامه توضیح داده شده: "با جریان روز و وضعی که پیش آمده و نمی‌توان وجهی از شرکت در شرایط فعلی وصول نمود ، موافقم که هم‌بانک بطلب خود بررسدو هم کارمندان صاحب خانه شوند". بانک تجارت همچنین نسخه‌ای از وکالت‌نامه مورخ ۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ دیماه ۱۳۵۷) آقای عطار را که در سفارت انگلیس در کویت توسط آقای ویلیام دبلیو با روز بعنوان مدیر عامل شرکت میچل اند رابرتس امضاء و در گواهی مزبور اشاره شده که وکالت از طرف "اینترنشنال تکنیکال پرداکتس کورپوریشن" نیز می‌باشد ، ارائه داده است . سند مذکور ضمن سایر مطالب ، به آقای عطار اختیار تا مبلغ ارشط جهت "فروش املاک غیر منقول ... از جمله ساختمان دفتری تهران ..." را می‌دهد .

خواهانها تصدیق می‌کنند که آقای عطار در مورد ساختمان میچل اند رابرتس اختیاراتی داشت ، لکن نمی‌پذیرند که وی در مورد فروش مجاوز ساختمان مذاکراتی کرده باشد . رئیس سابق شرکت خواهانها ، آقای ویتفورد در سوگندناهه خود اشاره داشت که "در سال ۱۹۷۷" "برای" (فروشنده رائی هایمان در ایران) تحت پارهای شرایط "به آقای عطار" وکالت داده شده بود . ذیحساب سابق خواهانها ، آقای لایتزینگر نیز در سوگندناهه خود اشاره داشت که "ما ... از آقای عطار خواستیم که بعد از رفتنمان از ایران ساختمان را به فروش رساند" . آقای ویتفورد همچنین اظهار داشت ، لکن اجازه مشروط به این بود که هرگاه فروش عملی نمی‌شد ، موافقت میچل اند رابرتس کسب شود و آقای عطار بعداً

وصول "پیشنهاد بسیار نازلی را به ایشان اطلاع داد که مورد قبول آقای ویتفورد قرار نگرفت. آقای لایترینگر نیز اشعار داشته که تا سپتامبر ۱۹۷۹ در مورد فروش "مطلوبی به وی اطلاع داده نشده بود". خواهانها در لایحه خود اشعار می‌دارند که "اجماعاً" تا حدودی اجبار درکار بوده است".

بانک تجارت، خود اظهار می‌دارد که ظرف یکماه از فروش ادعائی عملای تصرف و اعمال کنترل بر ملک را آغاز کرد. همانطور که در فوق اشاره شد، در دفعه ایه بانک ذکر شده که در ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۹ مهرماه ۱۳۵۸) طبق صورت جلسه‌ای به همان تاریخ "که ارائه شده است، "ساختمان تحويل نما یندگان بانک شد". طبق لایحه دفعه ایه از آن تاریخ، "ساختمان جهت حفاظت در اختیار بانک تجارت قرار گرفته است" همانطور که در فوق اشاره شد قرابینی وجود دارد حاکی از آنکه بانک در آن تاریخ "برای پرداخت بدھی آب و برق و تلفن" مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال پرداخت کرده بود.

بدیهی است که بانک، فروش ملک را تنها با شرط انجام تشریفات قانونی، یک معامله معتبر تلقی می‌کرد. در لایحه دفعه ایه چنین آمده:

اسناد انتقال آماده شد ولی دفتر خانه استادرسی از ثبت معامله خودداری نمود. جون طبق تصمیم متخذه از طرف دادستان انقلاب انجام معامله با استناد و کالتنا مههای تنظیم شده در خارج منع شده بود، با این جهت انجام معامله میسر نگردید...

در این موقع بانک برای حل مشکل سعی کرد با کسب مجوز از دادستان انقلاب استثنائی "باتکاء و کالتنا مههای تنظیم شده در خارج این معامله انجام گردد. با این ترتیب مجوز تحقیل شدوسند تنظیم گردید...

ظاهراً آقای عطار که "تبغما بران" بود، احتمالاً به قصد هند کشور را ترک

---

(۲۰) در وکالتنا مههای این نحو معرفی شده است.

کرد و اخذ امضاء وی که ظاهرا " در سند انتقال قطعی لازم بود، غیرممکن گردید . طبق لایحه دفاعیه بانک تجارت :

برای اینکه موضوع بنحوی خاتمه پیدا کند از دادستانی انقلاب تقاضا شد با توجه به سابقه کار سند معاشه توسط نایینده دادستان بنام فروشنده (یعنی بجای آقای عطار) امضاء گردد علیهذا معامله مورداشاره اکنون (یعنی در ۱۳۶۱ تیر ۱۱) در جریان وقوع میباشد. (۲۱)

بانک تجارت در دفاعیه خود موافقت کرد :

مازادحاصل از فروش (۲۱،۲۰۰،۰۰۰ ریال)، پسازکسر مبلغ وام (۱۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال) و مبلغ یکمیلیون ریال وجه ضمان تامه صادره (ضمیمه شماره ۱۳۵۵) که بابت تصفیه مالیاتی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ باستی در وجه حوزه مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارائی پرداخت گردد و بهره های متعلقه و خسارات تا خیر، به خواهان تعلق خواهد داشت و در هر صورت این مبلغ باقیمانده باید جوابگوی ادعای متقابل ضمیمه این دادخواست بوده باشد.

آخرالامر بانک تجارت برای تائید انتقال در صدد تعقیب راههای دیگری نیز برآمدکه در دفاعیه خود موضوع را بشرح زیر توضیح میدهد :

عدم انجام معامله بانک را وادر نمود برای استیفای حقوق و مطالبات خود مبارت به صدور اجرائیه نماید. لذا اجرائیه در تاریخ ۱۱/۶/۵۹ صادر گردید که مستلزم انجام تشریفات طولانی بوده است و چون فعالیت شرکت متوقف شده و کارکنان شرکت نیز، ایران را ترک کرده بودند، علیهذا، ابلاغ اجرائیه بعلت غیبت

---

(۲۱) بانک تجارت بعدا " در پاسخ به جوابهای که در ۴ آوریل ۱۹۸۳ (۱۵ فروردین ۱۳۶۲) ثبت نمود، موضوع را بشرح زیر تشریح کرد :

تنها مانع انجام معامله معذوریت نماینده فروشنده برای امضاء سند بود علیهذا با توصل به قانون که در پارهای از موارد استثنائی به دادستان اختیار داده میشود به نمایندگی طرف معذور سند را امضاء کند، از دادستان انقلاب دور خواست شد با استناد مدعای مفهومی که میکل آند را برترز، آن استناد را از طرف نماینده فروشنده بعلت معذوریت از حضور سند را امضاء کند.

بدهکار بتا خیر افتاد که در پا یان منجربه اعلان از طریق جراید گردید...

شرح فوق در اشاره به "اجرائیه" ای است که سازمان ثبت اسناد و املاک وزارت دادگستری در مورد ملک صادر کرده است. اجرائیه در ظاهر صورت مطالبه پرداخت وام رهنی است که برآسان اصل مبلغ ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال به میزان ۱۲،۵۵۱،۰۱۲ ریال تعیین شده و در صورت عدم پرداخت تهدید به توقيف عین مرهونه شده است.

خواهانها از این جریانات اظهار بی اطلاعی می‌کنند، آگهی اجرائیه چهارده ماه بعد از صدور اجرائیه، در ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰) در یکی از روزنامه‌های تهران منتشر شد. در آگهی در توضیح این مطلب که چرا مستقیماً اطلاع داده نشده، صرفاً به ذکر "مجھول المکان بودن" می‌چل اندر رابرتر از نظر ما موراً ببلاغ اکتفا شده است.

بانک تجارت طی اظهاریه مورخ دوم ژانویه ۱۹۸۵ (۱۲ دیماه ۱۳۶۳) خود اظهار می‌دارد که ملک خواهانها را نهایتاً "نه از طریق خرید مورد توافق ادعائی در پنجاهم قبیل، بلکه طبق ماده ۴۴ قانون ثبت املاک و اسناد با سندي به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۲) و در نتیجه توقيف عین مرهونه تحققیل نموده است. ماده ۴۴ قانون مذبور چنین مقرر می‌کند:

در صورتیکه بدھکار ظرف مدت مقرر در سند، بدھی خود را تپردازد بستانکار می‌تواند وصول طلب خود را توسط دفترخانه تنظیم کننده سند درخواست کند.

دفترخانه بنای تقاضای بستانکار اجرائیه برای وصول طلب واجور و خسارت دیر کرد صادر خواهد کرد و با داره ثبت ارسال خواهد داشت و بدھکار از تاریخ ابلاغ اجرائیه هشت ماه مهلت خواهد داشت که نسبت به پرداخت بدھی خود اقدام نماید.

بدهکار می‌تواند ظرف شماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه درخواست نماید که ملک از طریق حراج بفروش برسد.

\* \* \* \*

در صورتیکه تقاضای بدنهکار ظرف مدت مقرر با جرا یا ثبت محل واصل نشود پس از انقضای هشت ماه مذکور در این قانون ملک با اخذ کلیه حقوق و عوارض و هزینه‌های قانونی بموجب سدادنتقال رسمی به بستانکار واگذار خواهد شد.

اصلاحیه مورخ ۲۸ دیماه ۱۳۱۲ ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و املاک (در متن انگلیسی حکم، اصلاحیه مذبور بوسیله بخش ترجمه‌دیوان به انگلیسی ترجمه شده است).

خوانده، بانک تجارت ادعای می‌کند که خواهانها ظرف شش ماه از تاریخ نشر آگهی در ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰) تقاضای حراج ملک را نکرده و ظرف هشت ماه بعد از آن تاریخ بدنه خود را نپرداختند، در نتیجه به انتقال قانونی ملک به بانک تجارت تن در دادند.

#### ۴ - یافته‌های دیوان

##### الف - قابلیت انتساب سلب مالکیت به دولت ایران

خواهان، دعوای حاضر اعلیه دولت ایران با استنادیه اینکه دولت (عین مرhone را) برخلاف حقوق بین‌المللی مصادره کرده یا گرفته، اقا مهنموده است. این نکته مورد انکار نیست که گرفتن ادعائی ساختمان از طریق سلب مالکیت رسمی صورت نگرفته، لکن این امر امکان تحقق سلب مالکیت را منتفی نمی‌کند. دیوان در پرونده‌های

دیگر نظر داده که "چنانچه دولتی بنحو غیرموجهی دراستفاده ازا موال مداخله نماید حتی در صورت عدم ملی کردن یا سلب مالکیت رسمی ، این عمل طبق حقوق بین الملل ضبط اموال محسوب میگردد" هارزا انجینیرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۲ - ۹۸ - ۱۹ ص ۲۰ (۱۳۶۱ / ۹ دیماه ۱۹۸۲) که در صفحات ۴۹۹ و ۵۰۴ مجلد ۱ گزارش احکام دیوان داوری دعاوی ایران ایالات متحده به طبع رسیده است . یک شرط اساسی برای آن که " مداخله ناموجه" سلب مالکیت شناخته شود، اینست که مداخله متوجه دولت باشد .

در پرونده حاضر بانک تجارت است که کنترل ساختمان را بدست گرفت و آخر الامر صاحب قانونی آن شد. لازمه مسئول شناختن دولت آن است که یا (۱) در موقع تصاحب ملک ، بانک تجارت راسا" در مقام یک ارگان دولتی عمل کرده باشد، (۲) و یا (۲) دولت یا یکی از ارگان های آن در انتقال ملک معاونت داشته باشد.

بانک تجارت یک بانک متعلق به دولت است که شخصیت حقوقی جداگانه ای دارد . هر چند میتوان گفت که بانک مزبور از بعضی لحظه وظایف دولتی را انجام می دهد یعنی یک "ارگان دولتی" است، ولی اغلب بمنظور می رسد که بعنوان یک واحد تجارتی خصوصی عمل میکند. طبعاً چنین تصور می شود که بانک تجارت هنگام تصاحب ملک نقش اخیرالذکر را داشته است . در پرونده حاضر مدارک حاکی از

---

رجوع شود به (۲۲)

Article 5 of the International Law Commission's Draft Articles on State Responsibility

("از نظر مواد حاضر، رفتارهایی از ارگانهای دولتی که طبق قوانین داخلی آن کشور چنان وضعی را داشته باشد، طبق حقوق بین الملل به منزله عمل دولت مربوطه شناخته می شود، مشروط برآنکه آن ارگان در ددعوای مورد بحث در مقام ارگان دولتی عمل کرده باشد"). برای متن پیش نویس و اظهار نظرها رجوع شود به :

(1979) Y.B. Int'l L.Comm'n Vol. II, part 2, at 90 et seq.  
and (1980) Y.B. Int'l L. Comm'n, Vol. II, part 2, at  
14 et seq.

آن نیست که بانک تجارت هنگام تصاحب ملک به دولت عمل کرده یا وظایف دولتی انجام داده باشد. بنا بر این حتی اگر نظر داده می شد که بانک بنحو غیر قانونی ساختمان را تصاحب کرده، طبق حقوق بین الملل این عمل خود به خود، مسئول بودن دولت را اثبات نمی کند. بلکه علاوه بر آن باید ثابت کرد که ارگان دولتی دیگری (که در آن مقام عمل کرده)، با اعمال یا ترک فعل خود در انتقال ملک به بانک تجارت شرکت داشته و درنتیجه برخلاف حقوق بین الملل خواهانها را از ملک خود محروم نموده است.

تنها اعمال واضح و عینی قابل انتساب به دولت ایران که درمورد این دعوا ادعا می شود، اعمال دادستان انقلاب و سازمان ثبت اسناد و املاک است. تنها عملی که بدین نحو و بهوضوح قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) صورت گرفته صدور "اجدائیه" در دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۱ شهریور ماه ۱۳۵۹) می باشد. محتمل بمنظور می رسد که منوعیت استفاده از وکالتناهای تنظیمی در خارج از ایران، توسط دادستان انقلاب قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) وضع گردیده باشد، صرفاً "با حدس و گمان می توان دریافت که آیا تصویب بعدی وکالتناه مزبور، توسط دادستان انقلاب قبل یا بعد از آن تاریخ صورت گرفته است. براساس سوابق موجود نیز جای تردید است که بتوان قصور در ابلاغ حکم اجرائی را که به جای اینکه در فاصله بین صدور ابلاغیه، یعنی دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۱ شهریور ماه ۱۳۵۹) و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) صورت گیرد فی الواقع تا تاریخ واقعی ابلاغ - از طریق انتشار، در روزنامه، یعنی تا ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰) به تعویق افتاده است، مبنای برای مسئولیت دولت قرار داد. در مجموع، دیوان یقین ندارد که عمل یا ترک فعلی که مستدلاً بتوان آنرا در حیطه مسئولیت بین المللی دولت ایران دانست،

همچنین رجوع شود به بند ۳ ماده هفت بیانیه حل وفصل دائم برآن که عبارت "ایران" بنحوی که در بیانیه به کار رفته (شامل بانک تجارت هم می شود) مفهوم وسیع تری از "دولت ایران" دارد.

طرف مدتی که برای احراز صلاحیت دیوان لازم است، ازنا حیه دولت حادث شده باشد.

### ب - فروش ادعائی

خواهانها استدلال می‌کنند که فروش ادعائی به بانک تجارت در واقعیک "فروش اجرایی" بوده و بنابراین با حسن نیت انجام شده است. ایشان استدلال می‌کنند که بانک تجارت که در ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۸ مهرماه ۱۳۵۸) برآسas چنین "فروشی" ساختمان را تصرف کرد، با تصاحب آن از آن تاریخ به حقوق خواهانها تجاوز کرده مقصراست. ایشان اظهار می‌دارند که فروش عین مرهونه، که متعاقباً "صورت گرفت، به هیچوجه یک وسیله حقیقی و توافق با حسن نیت برای تملک ساختمان نبوده و صرفاً" یک وسیله جنبی برای انجام تشریفات داخلی انتقال مالکیت قانونی ساختمانی که قبلًا خواهانها بطور قطع از آن محروم شده بودند بوده است.

دیوان متذکر می‌گردد که توضیحی که بانک تجارت در دفاعیه خود (که در بالا ذکر شد) در مورد منظور خود از تصرف ساختمان داده، با توجه به شرایط حاکم در ایران در تاریخ ذیربسط نا مسموع نیست، زیرا ساختمان خالی بوده و ظاهراً "چند ماه قبل خساراتی به آن وارد آمده بود. ممکن است استدلال شود که در آن شرایط، آقای عطار احساس کرد که با عقد قرارداد فروش و تحويل ساختمان به خریدار و خاصه اگر اندازمانی بعد قصد ترک کشور را داشت، در واقع به نفع موکل خود عمل کرده است.

حتی اگر بپذیریم که دلایل له و علیه این موضوع از وزن یکسانی برخوردارند، دیوان متقادع نشده که معامله فروش یک معامله با حسن نیت نبوده است. چون به نظر می‌رسد

که فروش هرگز قطعی نشده ، لزوما " دیوان به بررسی جداگانه موضوع توقيف عین مرهونه می پردازد .

#### ج - جریان فروش قانونی عین مرهونه

مالکیت ساختمان تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۲) به بانک تجارت منتقل نگردید ، بنابراین سوالی که مطرح می شود ، اینست که آیا فروش قانونی عین مرهونه ، حتی اگر این کار را نوعی تجاوز به حقوق خواهان بدانیم ، به حد کفايت قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) صورت گرفته بود که مبنای صلاحیت دیوان قرار گیرد یا خیر .

بانک تجارت اظهار می دارد که در ۲۵ اوت ۱۹۸۰ (سوم شهریورماه ۱۳۵۹) تقاضای صدور اجرائیه کرد و در دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۱ شهریورماه ۱۳۵۹) اجرائیه را دریافت داشت . بانک ادعا می کند که اجرائیه در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۸ آبان ۱۳۶۰) ، از طریق انتشار آگهی در روزنامه ، به بدھکار ابلاغ گردید و مضافا " ادعا می کند چون بدھکار ظرف شش ماه مدت مقرر در ماده ۳۴ تقاضای حراج ملک را نکرد ، در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۲) بانک تجارت مالکیت ساختمان را بdst آورد . اعتبار مدرکی که بانک تجارت در این موضوع ثبت نموده ، مورد ایراد واقع نشده است .

ادعای گرفتن در روز گرفتن ایجاد می شود . اما وقتی که سلب مالکیت ادعائی از طریق یک رشته مداخلات در استفاده از ملک انجام می شود ، تخلفی که اسباب دعوا را تشکیل می دهد در روزی بوقوع می پیوندد که مداخله کم و بیش به محرومیت قطعی از ملک منتهی شود و نه در تاریخ شروع

(۲۳)

رویدادها . نقطه‌ای که دخل و تصرف به گرفتن منتهی می‌شود، بستگی به اوضاع و احوال پرونده داشته و مستلزم آن نیست که مالکیت قانونی منتقل شده باشد .

این امر که مالکیت قانونی ملک تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۲) منتقل نشده بود، لزوماً به این معنی نیست که ادعا در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پارچا نبوده است . آنچه تعیین کننده است تاریخی است که خواهانها بنحوی غیرقابل برگشت ، تصرف و کنترل ملک را ازدست دادند . طبق ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و املاک ، بدهکار هشت ماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه در ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰) ، یعنی تا ۹ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۸ تیر ۱۳۶۱) مهلت داشت که بدهی خود را تادیه و مالکیت ساختمان را حفظ کند . یا به استناد همان ماده ، ظرف شش ماه از آن تاریخ، یعنی از ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰) تا ۹ مه ۱۹۸۲ (۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) صاحب ملک حق داشت تقاضای حراج ملک و استرداد مازاد حاصل از فروش به بدهکار را بنماید . بدینترتیب از دست دادن ملک تا مه ۱۹۸۲ قطعی و غیرقابل برگشت نبود .

دیوان از استدلال خواهانها مبنی بر آن که انتشار آگهی باتاییرانجام شده و یا قانوناً ناکافی بوده ، واقفاً است ، حتی اگر مهلت‌های شش ماه و هشت ماه یاد شده به ترتیب از همان لحظه صدور اجرائیه در دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۱ شهریورماه ۱۳۵۹) محاسبه شده و در همان تاریخ اجرائیه به درستی ابلاغ می‌شد، باز هم محرومیت نهائی و قطعی بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه

---

(۲۳) رجوع شود به پرونده تیپتس ، ابت ، مک‌کارتی ، استراتون و مهندسین مشاور تامسون اف ایران ، حکم شماره ۲ - ۷ - ۱۴۱ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۴ - ۸ تیرماه ۱۳۶۲) . (گرفتن ملک از طریق مداخلات مختلف، از شروع دخل و تصرف واقع نشده بلکه بعداً "واقع گردید و درنتیجه، بهره‌از همان تاریخ دیرتری که تاریخ گرفتن یا محرومیت باشد، محاسبه شد) .

(۲۴) واقع می‌شد . در نتیجه دیوان فاقدصلاحیت رسیدگی است . (۱۳۵۹)

### سوم - بهره

دیوان بر این نظر است که خواهانها حق دارند از تاریخ بروز ادعا ، نسبت به مبالغ حکم، بهره‌ساده‌ای به نرخ ۱۰ درصد در سال دریافت کنند . (۲۵) بنا بر این به عقیده دیوان در مورد مبالغی که طبق قرارداد کارهای ساختمانی واجب الاد است ، از اول مارس ۱۹۷۹ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۷) بهره تعلق می‌گیرد .

### چهارم - هزینه‌ها

خواهانها با بت هزینه‌ها ، مبلغ ۵۱۲،۰۰۰ دلار که شامل ۳۷۵،۰۰۰ دلار حق الوكاله و ۱۳۷،۵۰۰ دلار پرداختهای نقدی است ، در خواست کرده‌اند . رقم اول شامل ۲۵۰۰ ساعت خدمات مشاوره‌ای مخصوص ، به میزان ساعتی ۱۵۰ دلار و رقم دوم شامل هزینه ترجمه ، شاهد و حق الزحمه مشاور فنی ، هزینه سفر ، نسخه‌برداری و صحافی و سایر هزینه‌های متفرقه است . حق الزحمه‌ها و هزینه‌هایی که حسب ادعا خواهانها

---

(۲۴) با توجه به نظری که راجع به این ادعا داده شد ، دیوان نیازی نمی‌بیند راجع به این موضوع تضمیم گیرد که آیا بانک تجارت که در دادخواست از آن بعنوان خوانده نامبرده شده ولی در پاسخ به اقامه‌این ادعا علیه دولت ایران ، در جریان رسیدگی شرکت کرده ، در دعوای مطروحه در دیوان ، خوانده واقعی هست یا خیر .

(۲۵) قاضی براوئر ترجیح می‌دهد که شعبه سه‌مستمر " فرمول بهره‌ای را تعیین و اعمال کند که شرایط بازار را در نظر گرفته و خسارات متحمله را بنحو واقع بینانه تری جبران کند . رجوع شود به سیلوانیا تکنیکال سیستمزاینکورپوریتد و

متحمل شده‌اند بدون هیچگونه مدرک مویدی ادعا شده است.

بند ۱ ماده ۳۸ قواعد دیوان، دیوان را مکلف می‌کند که میزان حق الوكاله و هزینه معاوضت حقوقی محکوم له را تعیین نماید، مشروط براینکه اینگونه هزینه‌ها طی جریان داوری مطالبه شده و دیوان میزان آنرا معقول تشخیص دهد. دیوان متذکر می‌شود که برخی از ادعاهای خواهانها رد شده و یکی از ادعاهای در یکی از مراحل بعدی رسیدگی مسترد گردیده و بعلوه خواندگان نیز در بعضی از ادعاهای متقابل خود حاکم شده‌اند. با توجه به این مراتب، و با درنظر گرفتن ملاحظات مندرج در پرونده سیلوانیا، مذکور در فوق (زیرنویس ۲۴ ص ۳۷)، دیوان مبلغ ۷۵،۰۰۰ دلار که مبلغ معقولی برای هزینه‌های حقوقی است و خواندگان باید آنرا بپردازنند، تعیین می‌کند! (۲۶)

لکن، چون هیچیک از پرداختهای نقدی مورد مطالبه، مستند نبوده، دیوان وجهی برای آنها تعیین نمی‌کند. رجوع شود به سیلوانیا، مذکور در فوق (زیرنویس ۲۴ ص ۳۵).

### پنجم - حکم

با توجه به مراتب پیش‌گفته، دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

۱ - ضمانتنا مه‌های شماره ۶/۲۰۴، ۶/۲۱۶ و کلیه ضمانتنا مه‌های دیگری که بانک ایرانیان سابق، (بانک تجارت‌کنونی) در رابطه با قرارداد کارهای

---

دبایله زیرنویس شماره ۲۵

دولت ایران، حکم شماره ۱ - ۶۴ - ۱۸۰ - ۳۰ (۲۲ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴) براین اساس ایشان حکم‌بهره‌ای به نرخ ۱۲٪ می‌دهند.

(۲۶) قاضی بر اوئرترجیح می‌دهد که شعبه مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ دلار با بت هزینه‌های مربوط به حق لوكاله به نفع خواهانها حکم صادر کند و معتقد است که با پرداخت چنین مبلغی، اصول مشروح پرونده سیلوانیا، زیرنویس ۲۴ فوق، بنحو صحیح‌تری اعمال می‌شود.

ساختمانی صادر کرده ، دیگر فاقد اثر بود و بدینوسیله مقرر می‌گردد که خوانده ، نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران هرگونه مطالبه پرداخت ضمانتنامه‌های فوق را مسترد داشته و منبعد نیز از مطالبه وجه آنها خودداری کند.

۲ - خوانده ، نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران متعهد است و باید مبلغ دو میلیون و چهارصدو هفتادویک هزار و هفتصدو سی و سه دلار (۲،۴۷۱،۷۲۳ دلار) بعلاوه بهره ساده به نرخ ۵٪ (۱۰ درصد در سال ۳۶۵ روز) از تاریخ اول مارس ۱۹۷۹ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۷) تا تاریخی که کارگزار امامی دستور پرداخت حکم را به بانک امین صادر می‌کند ، با بتادعای مربوط به قرارداد کارهای ساختمانی به خواهانها ، اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کورپوریشن و آئی تی پی اکسپورت کورپوریشن ، بپردازد.

۳ - خوادگان ، دولت جمهوری اسلامی ایران ، نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران ، سازمان هوایی پیمائی کشوری ایران و وزارت دفاع ملی منفردا "ومتضاماً" ملزم می‌باشند که مبلغ هفتاد و پنجهزار دلار (۷۵،۰۰۰ دلار) بعنوان هزینه‌های داوری به خواهانها ، اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کورپوریشن و آئی تی پی اکسپورت کورپوریشن بپردازند.

۴ - مبالغ مذکور باید از حساب تضمینی مفتوح بموجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ زانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر پرداخت گردد.

۵ - بدینوسیله ادعاهای خواهانها اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کورپوریشن با بتات تمامی مبلغ ضمانتنامه‌های حسن انجام کار

و ادعای سلب مالکیت از ساختمانی واقع در تهران و ادعاهای متقابل خوانده، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران بابت وجودی که به "فریدن" پرداخته و ادعای متقابل حق بیمه اجتماعی و حق آموزش و نصف قرارداد که در رابطه با قرارداد کارهای ساختمانی مطرح گردیده، مردود اعلام می‌شوند.

۶- بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می‌گردد.

لاهه، بتاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۸۵ برابر با دوم آبان ماه ۱۳۶۴

نیلس منگارد

رئیس شعبه سه

بنام خدا

پرویز انصاری معین

مخالف با قسمتی و موفق با  
قسمت دیگر به منظور حصول اکثریت

چارلز ان. براؤئر

نظر موافق و مخالف

م. ف / ک. ف